

این «تعدادی از بازاریان» و «تعدادی از روحانی نمایان» کیستند که در توطئه ضد انقلابی شرکت دارند؟

از همین چند مطلب مشخصی که بدانها اشاره رفت، يك نتیجه مشخص حاصل میشود و آن اینكه: امریکا (همراه با متحدان خارجی و داخلی) تصمیم قاطع دارد، بهر قیمت كه شده، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را بشكند و «بهشت گم شده» خود را بازی گیرد.

ایجاد جو متشنج و ناامنی و هرج و مرج و ایجاد جو نا رضایتی، بهر بهانه ممكن و بی بهانه، در واقع تدارك و زمینه سازی برای رسیدن به مقصود آژسی آمریکا و ضد انقلاب سازمان یافته است، كه متاسفانه برخی نیروهای گمراه بقیه در صفحه ۴

ضمنا اگر نقشه جغرافیائی را در برابر خود بگذاریم و اخبار موقوت مربوط به «اشغال خزنه نظامی» منطقه توسط آمریکا و نیز اخبار موقوت مربوط به عملیات راه سازیهای نظامی و سنگر سازیهای بتونی پاکستان در مناطق هم مرز ایران، تسریع در تسلیح شیخ نشینهای جنوب خلیج فارس، تقویت نظامی عراق و تقویت نظامی ترکیه را کنار هم بگذاریم، به وضوح میتوانیم مشاهده کنیم، قوسی كه از جنوب خاوری کشور آغاز میشود و به شمال باختری کشور ما پایان میابد، می رود كه به يك میدا حمله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران در آید.

ایجاد و چنین «تاسساتی» كه يك فقره از نقشه های عملیاتی آن بپس گذاری در مراكز حساس و در میان انبوه جمعیت (محل نماز جمعه) بخاطر زمینه سازی «كار نهایی» است، بیانگر این واقعیت است كه آمریکا ابتدا از اجرای طرح تصرف قبر آمیز و خونین قدرت حاكمه در ایران دست برداشته است، و اگر آمریکا در تلاش برای روی كار آوردن يك حكومت «میان راه» بعنوان پلی برای استقرار مجدد سلطه خشن و فاشیستی در کشور ماست، موازی با این تلاش، «خطه طبیس» «نوزه» «تباجم نظامی صدام» را همچنان دنبال میکند.

كشف سازمانی به نام «بازاربان رژیم سلطنتی»، كه گروهی از اعضاء آن (۱۸ نفر) دستگیر شده اند، ولی بگفته آقای حجت الاسلام ری شهری، حاكم شرع و رئیس دادگاه انقلاب اسلامی ارتش جمهوری اسلامی ایران، «سازمان گسترده ای» با حدود ۳۰۰ نفر عضو است و در خارج با فرح و رضا پهلوی و دیگر ضد انقلابیون فعال و در داخل با «تعدادی از بازاریان» و «تعدادی از روحانیون» (یا روحانی نمایان) در قم تماس دارد، موضوعی نیست كه بتوان آنرا سرسری گرفت و یا از روی آن سرسری گذشت.



شماره ۵۲۱ - سه شنبه ۵ خرداد ۱۳۶۰، دوره هفتم، سال سوم
۲۱ رجب ۱۴۰۱ - بهار ۱۵ ریل

از اظهارات آقای رجائی علیه حزب توده ایران متعجب و متأسفیم و نسبت به آن بشدت معترضیم

نیز اعتقاد نداره، و ابدا - این حزب مستقیما از خارج از کشور دستور میگیرد و اگر دستور حمله داده شود «مظلوم ترین افراد جامعه را سر می برد».

و «دلیل» همه این اقراها و ناسزا گوئیها همینست كه حزب توده ایران «به مصدق مجال نداده كه این مرد بكار مبارزه با انگلستان بپردازد...»

بشدت متعجب و متأسفیم كه نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران مطالبی میگوید كه نه بهبود انقلابست، نه با واقعیت مطابقت دارد و بقیه در صفحه ۴

آقای محصلی رجائی نخست وزیر، در سمینار بررسی مسائل كارگری، كه اخیرا در سان اجتماعات وزارت كار و امور اجتماعی تشكيل شد، طی نطقی از جمله گفت:

«مخالفت اصلی انقلاب در محیط های كارگری سازمانهای سیاسی در حد بالایی هستند، از جمله حزب توده را می شود نام برد و برای پاك سازی محیط ضرورت دارد كه به این گروه توجه خاص بشود... آنچه برای ما مطرح است گروههایی هستند كه مودیانه عمل می کنند و متاسفانه خودشان را در خط امام معرفی می کنند و از خدای امام گرفته تا مستضعف امام به هیچكدام اعتقاد ندارند. اینها از دشمنان سرسخت اسلام هستند و به اعتقاد من اینها کسانی هستند كه مستقیما از خارج از کشور دستور میگیرند و هرگاه دستور سازی باشد در مقابل بزرگترین حملات شما صبر میکنند و اگر دستور حمله باشد مظلوم ترین افراد جامعه را سر می برند و در دو دوره مشخص خودشانرا شناسانده اند. در دوره نهضت دكتر مصدق اینها لحظه ای مجال ندادند به این مرد كه بكار مبارزه با انگلستان بپردازد...» («میزان» ۳۰ خرداد ۶۰)

ما معمولا به ناسزا گوئیهایی كه علیه حزب توده ایران میشود، كتر پاسخ میدهم، ولی موقیكه گوینده نخست وزیر باشد، از بررسی مطلب و دادن پاسخ ناگزیریم.

خلاصه سخنان آقای رجائی علیه حزب توده ایران چنین است: اولاً - یکی از «مخالفتین اصلی انقلاب» حزب توده ایران است، ثانیاً - در «پاك سازی محیط» باید به توده ایها «توجه خاص بشود»، ثالثاً - حزب توده ایران نه تنها به «خدای امام» حتی به «مستضعف امام»

قاسملو در تدارك حمله به پیرانشهر است

خود را برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و مقابله با توطئه های ضد انقلابیون اعلام کردند. در این اطلاعیه آمده است: مردم مبارز پیرانشهر

پس از شكست همه جانبه تجاوز امریکائی رژیم صدام به میهنمان، امریالیسم آمریکا و متحدانش به طرح و اجرای توطئه ای عظیمتر و گسترده تر علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پرداخته اند. ضد انقلابیون فراری، پازماندگان رژیم سابق، كلان سرمایه داران و بزرگ مالكان و سازشكاران و مائوئیستهای امریکائی با تمام نیرو در صدد ایجاد زمینه مساعد برای اجرای این توطئه هستند. ایجاد تشنج و درگیری و كوشش برای تفرقه افكنی در بین نیروهای انقلابی از شیوه های اصلی و شناخته شده دشمنان انقلاب برای تحقق این هدف ضد انقلابی است.

باند قاسملو و دیگر ضد انقلابیون در كردستان، در هماهنگی كامل با اهداف ارباب بعثی اشان، بعد از سپری شدن چند ماه از درگیری در شهر ما، در تدارك حمله به شهر و بوجود آوردن درگیری مجدد هستند. مأمور اجرای این توطئه باند قاسملی، سید رسول دهقان (بابی گوره) است. ضد انقلاب در كردستان برای ایجاد جو مسموم و بدبینی، به طرح مسئله شیعه و سنی

هواداران حزب توده ایران در شهرستان پیرانشهر، طی اطلاعیه ای در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۶۰، در مورد فعالیت های باند قاسملو در جهت ایجاد تفرقه بین سنی ها و شیعه ها هشدار دادند و آمادگی

پیکر گلگون رفیق شهید محمد رضا ابطحی و ۴ شهید دیگر جبهه های جنگ بر شانه های خلق تشییع شد



پیکر ۴۶ جانباز ارتش جمهوری اسلامی ایران و از جمله رفیق شهید کارگر، محمد رضا ابطحی، از اعضای حزب توده ایران، كه در جبهه های جنگ تحلیلی رژیم جنایتكار صدام به شهادت رسیده اند، صبح دیروز، طی مراسم ویژه ای پیکر ۴۶ جانباز ارتش جمهوری اسلامی ایران و از جمله رفیق شهید کارگر، محمد رضا ابطحی، در میدان ۱۵ خرداد (ارگ) تشییع شد. در این مراسم هزاران نفر از مردم تهران شرکت و با ابراز احساسات فراوان، جنایات صدام را محكوم کردند. پیکر شهدای ارتش جمهوری اسلامی ایران، پس از تشییع، در بهشت زهرا به خاک سپرده شد. شرح زندگی، مبارزه و شهادت رفیق شهید ابطحی در شماره های بعد «نامه مردم» باطالع خوانندگان گرامی میرسد.

پیام شادباش

کمیته مرکزی حزب توده ایران به نمایندگان کنگره هیجدهم حزب انقلابی خلق مغولستان (آغاز: ۵ خرداد ۱۳۶۰)

رفقای گرامی!

از سوی اعضای حزب توده ایران، شادباش های صمیمانه و گرم خود را بمناسبت برگزاری کنگره هیجدهم حزب انقلابی خلق مغولستان به شما و از طریق شما، به همه کمیونست ها و زحمتکشان جمهوری خلق مغولستان، تقدیم می داریم.

این کنگره، كه چندی پس از شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب انقلابی خلق مغولستان، این پیشاهنگ مارکسیستی لنینیستی خلق مغول و الهام بخش و سازمانده همه پیروزیهای آن، برگزار می شود، بی گمان اهمیتی فراوان در تحولات بیروزی آفرین سالهای آتی کشورتان خواهد داشت.

تجربه حزب انقلابی خلق مغولستان بگونه ای چشمگیر این نظریه لنین بزرگ را ثابت کرد كه كشورهای عقب افتاده میتوانند با احتراز از راه رشد دردناك سرمایه داری به جامعه سوسیالیستی دست یابند. حزب شما، در حیات شصت ساله خود، مجبور شد كه راههایی نو و ناشناخته را به پیماید. آزمون های حزب شما گنجینه ثوری و عمل جنبش کمیونستی و كارگری جهانی را پس غنی تر ساخته و به بخشی گسست ناپذیر از سوسیالیسم علمی بدل شده است.

حزب انقلابی خلق مغولستان مردم کشورتان را از سرزمینی بسیار عقب افتاده به کشوری شكوفا راهبر بوده است. زحمتکشان مغولستان، در پرتو رهبری حزب انقلابی خلق مغولستان هر روز به دستاوردهای تابناك تری دست می یابند.

ما حزب شما را بعنوان گردان مهمی از جنبش جهانی کمیونستی و كارگری می شناسیم و كوشش های خستگی ناپذیر شما را برای وحدت این جنبش و همه نیروهای انقلابی دوران ما می ستاییم.

حزب توده ایران برای پیکار کمیونست های مغولستان علیه کمیونسم ستیزی، اپورتونیزم چه، ناسیونالیسم ارتجاعی و مائوئیسم ارج فراوان قائل است.

ضمن آرزوی پیروزی کنگره هیجدهم، خواهان تحکیم و گسترش هرچه بیشتر مناسبات میان حزب توده ایران و حزب انقلابی خلق مغولستان، بر پایه مارکسیسم و انترناسیونالیسم پرولتاری، هستیم.

با درودهای رفیقانه

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: نورالدین گیانوری

کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان

رفقای گرامی!

با سیاستگزاری از دعوت شما برای شرکت در کنگره هیجدهم حزب انقلابی خلق مغولستان، متاسفانه بعلمت محدودیت هایی، كه در زمینه خروج از کشور كماكان موجود است، كسیل نمایندگان حزب ما، تا آخرین لحظه ممكن نشد.

ضمن آرزوی موفقیت برای کنگره هیجدهم، پیامی باین مناسبت برایتان ارسال می داریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: نورالدین گیانوری

تازه های روز

لوايح سرنوشت سازرادر دستور کار مجلس قراردهيد!

حجت الاسلام رفسنجاني، رئيس مجلس شوراي اسلامي ايران، در مصاحبه اي با روزنامه «جمهوري اسلامي» در مورد وظائف مبرم مجلس شوراي اسلامي گفت:

«ما برنامه هاي فوري تري داريم که غير از برنامه هاي روزمره، کارهاي بنيادي، مثل قانون احزاب، مالکيت زمين و از اين قبيل چيزها بايد جلو يفتند.»

(جمهوري اسلامي، ۴ خرداد ۶۰)
اين سخنان درست است. مسائلي بنيادي و کليدي چون مالکيت، که با سرنوشت و سمتگيري انقلاب ايران رابطه مستقيم دارد و به تصريح بسياري از مسئولين، مشخص نشدن تکليف آن، به فلج شدن بسياري از امور منجر شده است، و نيز مسائلي چون مساله ارضي و اجرائي بند «ج» و «د» که با سرنوشت ۱۸ ميليون دهقان محروم، مرتبط است و نيز لوايح احزاب و مطبوعات، که تصويب آنها در انطباق با روح قانون اساسي، براي رشد سالم سياسي جامعه، اهميت اساسي دارد، از مسائلي هستند که متاسفانه يکسال پس از آغاز کار مجلس شوراي اسلامي، هنوز در دستور کار مجلس شوراي اسلامي قرار نگرفته اند.

ما هم چون حجت الاسلام هاشمي رفسنجاني معتقديم که اين لوايح، «فوري تر» هستند و «بايد جلو يفتند.»

نيروهاي که با آمريکا مي جنگند، بايد متحد شوند!

آقاي هاشمي، معاون سياسي نخست وزير، که از جانب دولت ايران براي اعلام پشتيباني از سوريه به اين کشور رفته بود، پس از شرکت در کنفرانس تحريم اقتصادي آفريقاي جنوبي در پاریس، به تهران بازگشت. او در بازگشت طی يك مصاحبه مطبوعاتي گفت:

«در حال حاضر دو منطقه است که با آمريکا در حال جنگ مي باشد، يکي سوريه که با اسرائيل مي جنگد و يکي ايران که با رژيم صدام در حال جنگ است... ما و سوريه با دشمن مشترك در دو منطقه مختلف مي جنگيم.»

(جمهوري اسلامي، ۴ خرداد ۶۰)
به اين واقعيت بايد اين را نيز افزود که نه فقط ايران و سوريه، بلکه در منطقه خاورميانه، ديگر کشورهای عضو جبهه پايداري نيز از جمله نيروهاي هستند که با آمريکا در جنگند و به نسبت هاي متفاوت با توطئه هاي خطرناک امپرياليستي و صهيونيستي عليه موجوديت خويش مواجهند.

به اين اظهارات صحيح معاون سياسي نخست وزير همچنين بايد اين نتيجه گيري منطقي را نيز افزود که بنا بر اين کليۀ نيروهاي که عليه امپرياليسم و صهيونيسم و توطئه هاي مشترك کليۀ امپرياليستها و سرسپردگان آنها، مبارزه مي کنند، براي عقيم گذاردن توطئه هاي دشمنان و کسب پيروزي بايد متحد شوند.

محصول کشاورزي دهقانان اهواز در خطر نابودي است

در برداشت محصول، دهقانان اهوازي را ياري کنيد.

دهقانان اهوازي، که در شرايط جنگي، با امکانات محدود، زمين هاي زيادي را کشت کرده اند، اکنون که زمان برداشت محصول فرا رسيده است، به دليل ضعف مالي و کمبود کميابن و دودگر و بالا بودن کرايه آنها، قادر به برداشت محصول نيستند. در حال حاضر نرخ کرايه کميابن براي هرساعت کار روی زمين هاي آبي ۲۲۰ تا ۲۵۰ تومان و براي هر ساعت کار روی زمين هاي ديم ۲۰۰ تومان است. باتوجه به شرايط احساس

براي مقابله با تجاوز نظامي آمريکا، تمام خلق بايد از نظر نظامي مجهز شود!

پروتکل مذاکره با بوزينسکي را منتشر کنيد!

روزنامه «ميزان»، ارگان سرمايه داري ليبرال ايران، که هر چه براي پيشبرد خط پروتئينسکي بيشتر ميکوشد، کمتر موفق مي شود و نه فقط موفق نميشود، بلکه هر روز بيش از پيش تصديقات خود را بي اثرتر مي يابد، در ستون «باحاشيه»، بي حاشيه، مورخ ۴ خرداد ماه ۶۰، اظهارات ديپلماتيکي در مورد اينکه «دوستان آمريکائي ما دوخير موقتي براي مافرساده اند» را دستاويز کرده است، تا رابطه با «دوستان آمريکائي» خود را توجيه کند!

ولي اين تلاش بي فايده است زيرا:

۱- «دوستان آمريکائي» حزب توده ايران، کمونيستهاي آمريکائي هستند که در شرايط فشار و تضيقات گسترده انحصارات آمريکائي، سيا و گروههاي آدمکشي چون کولوس کلان، پرچم مبارزه عليه امپرياليسم چنایتکار آمريکا را در قلب امپرياليسم جهاني، برافراشته اند.

۲- اطلاعاتي که «دوستان آمريکائي» حزب توده ايران در اختيار آن قرار مي دهند، توطئه هاي امپرياليسم آمريکا عليه انقلاب ايران را فاش مي سازد و تماما بسود انقلاب و جمهوري اسلامي ايران است.

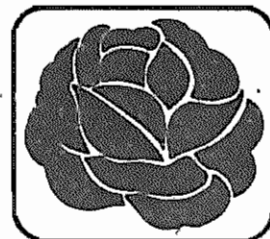
۳- اطلاعاتي که کمونيستهاي آمريکائي در اختيار حزب توده ايران قرار داده اند، به تمامي در اختيار مقامات مسئول قرار گرفته است و گردانندگان «ميزان» مي توانند مضمون آنها را طلب کنند و در صورتیکه مقامات مسئول صلاح بدانند، از آن آگاهي يابند.

۴- اما «دوستان آمريکائي» «ميزان»، از جنس ديکري هستند، همانطوري که همي زاني، «ميزان» نيست، همانطور هم، هر «دوست آمريکائي»، دوست نيست.

کمونيستهاي آمريکائي، دوستان انقلاب ايران هستند و آنرا در عمل نشان داده اند. اما «دوستان آمريکائي» «ميزان» چون پروتئينسکي ها، رمزي کلارک ها و... دشمنان انقلاب ايران اند، بهمين دليل هم تشبث اخير «ميزان» بي فايده، ناموفق و سبک از کار درآمده است.

۵- بدنيست گردانندگان «ميزان»، براي اثبات کذب گفته هاي ما، پروتکل مذاکرات با «دوست آمريکائي» خويش - پروتئينسکي - را منتشر سازند.

چاپ جديد تقويم سال نو



با اصلاحات منتشر شد

از اظهارات آقاي رجائي...

نه با موازين معمولي رفتار اجتماعي، زيرا که:

۱- «دشمن اصلي انقلاب» امپرياليسم، بسن کردگي آمريکا است و نه حزب توده ايران، که دفاع جانانه اش از انقلاب و جمهوري اسلامي ايران، مشهور خواص و عوام ايران و پنج قاره جهانست.

چه چيز يك مقام مسئول و متعهد را مجبور ميکند که مرزدوست و دشمن را مخدوش کند و دوست صميمي و فداکاري چون حزب توده ايران را، که گروهی از بهترين فرزندانش در جبهه جنگ براي دفاع از انقلاب جان مي دهند، در صف «مخالفين اصلي» بنشانند؟

۲- دستور «توجه خاص» به توده ايها در امر «پاکسازي محيط» قبل از هر چيز بر خلاف عدل و قسط و منافع انقلابيست، زيراني توان جمعي از صادق ترين و فداکارترين مدافعان انقلاب را به «گناه» داشتن جهان بيني سوسياليسم علمي، از صف مدافعان انقلاب طرد کرد.

علاوه بر اين، پاکسازي شدن بعلت توده اي بودن، نقض قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران است که «تفتيش عقايد» را ممنوع ميکند. همين چندروز پيش بود که رئيس ديوانعالي کشور دادستان کل کشور گفتند کسی را که هوادار انقلاب است، به جرم داشتن عقايد سياسي معين نميتوان از کار اخراج کرد. پس چگونه ميتوان توده ايها را، که در راه دفاع از انقلاب و جمهوري اسلامي ايران جان خود را بر طبق اخلاص نهداند، مشمول پاکسازي کرد؟

۳- هزار بار اعلام کرده ايم که حزب توده ايران حزب مذهبي نيست، حزب سياسي است، حزب طبقه کارگر است. ضمن اينکه در صفوف حزب ما کارگران و زحمتکشاني هم وجود دارند که يا مسلمان اند و يا از اديان مذاهب مختلف ديگر پيروی مي کنند.

و اما در مورد اعتقاد نداشتن توده ايها به «مستضعف امام» بايد بگوئيم که حزب توده ايران، حزب طراز نوين طبقه کارگر ايران، حزب همه مردم زحمتکش و محروم اين جامعه است. ما حزب همان طبقه اي هستيم که امام خميني آنهارا «کوچ نشينان» و «گودنشينان» مي نامد و يك موی آنها را بالاتر از همه کاخ نشينان ميداند. حزب ما با تمام وجودش، با سياست و جهان بيني خودش، با طبقه کارگر و همه زحمتکشاني يدي و فکري ارتباط ناگسستني دارد. حزب ما در راه دفاع از همين مستضعفين در طول چهل سال زندگي خود، هزارها قرباني داده است.

چگونه مي توان چنين حزبي را مخالف مستضعفان ناميد؟
۴- مطالبی که آقاي رجائي در مورد «سربردن» گفته اند، چنان عجيب است که انسان از سخن گفتن باز مي ماند، ايشان بايد بدانند و خوب ميدانند که توده ايها «سربر» نيستند و تاکنون سر کسی را نبريده اند و برعکس، هميشه سر توده ايها بوده که بوسيله دشمنان استقلال و آزادي و ترقی ايران بباد فنا رفته است.

چگونه ميتوان چنين اتهام فجيعی را به حزب توده ايران زد؟
۵- «گرفتن دستور مستقيم از خارج کشور» نيز افتراي کهنه اي است که ۶۰ سال است درباره حزب طراز نوين طبقه کارگر ايران، از جانب دشمنان مردم ايران، تکرار ميشود. بغايت تعجب آور و تاسف انگيز است که نخست وزير حکومت انقلابي ايران، با الفاظ و اصطلاحات و سلاحهاي ساخت خبيث ترين دستگاههاي امپرياليستي و طاغوتي عليه مبارزترين و با سابقه ترين حزب کشورمان سخن بگويد.

۶- درباره «مجال ندادن» به دکتر مصدق براي «مبارزه با انگلستان»، يعني در واقع مبارزه حزب توده ايران در دوران نهضت ملي کردن نفت و مناسبات آن با دولت دکتر مصدق، ما بارها و بارها توضيح داده ايم و آخرين آن کتاب «تجربه ۲۸ مرداد» است. بايد تاريخ را بدون پيشداوري خواند و آنوقت قضاوت کرد. چگونه ميشود به حزبي که پرچمدار مبارزه با امپرياليسم انگلستان و امپرياليسم آمريکا بود، حزبي که حداقل سه بار حکومت دکتر مصدق را از سقوط نجات داد، حزبي که در آستانه کودتای ۲۸ مرداد تنها سازمان سياسي پشتيبان دکتر مصدق بود، حزبي که بر اثر کودتای ۲۸ مرداد، دهها نفر از بهترين اعضايش، که از بهترين فرزندان اين خلق نيز بودند، تيرباران شدند و صدها نفر از آنها را به سياهچالهاي زندان افکندند، چنين نسبتی داد؟

۷- در شرايط کنونی که ما با توطئه هاي گوناگون امپرياليسم، بسن کردگي آمريکا - دشمن اصلي مردم ايران، و ضد انقلاب پرورده اش روبرو هستيم، در شرايطي که طبق فرمان امام خميني مي بايد محيط آرامش برقرار باشد، از اختلاف و تشديد اختلاف بين نيروهاي هوادار انقلاب پرهيز شود، تمام نيروهاي انقلاب، صرف نظر از عقايد سياسي، مسلکي و مذهبي، بايد عليه دشمن اصلي، عليه جنگي که توسط دشمن اصلي به ميهن انقلابي ما تحميل شده، بسيج و متحد شوند، ناسزاها و افتراهاي آقاي رجائي به يکي از گردانهاي اصلي مدافع انقلاب و جمهوري اسلامي ايران - حزب توده ايران - بسود چه کسی تمام ميشود؟

ما از اظهارات آقاي رجائي عليه حزب توده ايران بغايت متعجب و متاسفيم. ما نسبت به اين اظهارات خلاف واقع، غير منصفانه و افترا آميز بشدت متعزيم. ولي ما، عليرغم همه اينها، از راه راست خود منصرف نخواهيم شد و مشی اصولي و انقلابي خود را با پيکيري ادامه خواهيم داد. پشتيباني بيدريغ حزب توده ايران از انقلاب و جمهوري اسلامي ايران نه از ترس، نه از روی ریا و نه به امید چشم داشت خاصي است. ما توده ايها دهها سال است در پيشاپيش کاروان انقلاب، همراه با خلق خود، به پيش ميرويم. ما در اين راه دشمنها و افتراها، تبعيدها و زندانها، شکنجه ها و اعدامها را تحمل کرده ايم. ما در راه دفاع از انقلاب و جمهوري اسلامي ايران نيز آماده تحمل هرگونه ناملایمي هستيم، زيرا که: در طريقت ما کفری است رنجيدن!
ولي ما باريکتر کلام حکيمانه امام خميني را ياد آور ميشويم که خلق ما با وحدت انقلاب کرد و بر طاغوت و شيطان بزرگ پيروز شد. و خلق ما فقط با وحدت خواهد توانست انقلاب را به پيروي قطعي و نهائي برساند.
اميد و انتظار داريم که آقاي رجائي، بعنوان نخست وزير پيرو خط امام، کلام حکيمانه امام خميني را همواره در مدنظر داشته باشند.

بزرگداشت سالروز شهادت رفيق ابراهيم مفتاح

به مناسبت سالروز شهادت رفيق ابراهيم مفتاح، از طرف سازمان حزب توده ايران در گرگان، مراسمی در تاريخ بيست و نهم ارديبيشت ماه سال جاری بر مزار رفيق شهيد برگزار شد.
در اين مراسم، که نمايندگان حزب در بندرگز، بندر ترکمن و کردکوي نيز در آن شرکت داشتند، ابتدا از طرف سازمان حزب توده ايران در شهرستان گرگان و کردکوي تاج گلهاي نثار مزار رفيق شهيد شد. سپس يکي از رفقاي حزبي سازمان گرگان، طی سخناني مبارزات و فداکاريهاي رفيق شهيد را تشریح کرد. در پايان مراسم، براي گرامي داشت خاطره رفيق شهيد ابراهيم مفتاح، يك دقيقه سکوت اعلام شد.

شرکت کنندگان، در پايان مراسم به خانه مادر رفيق شهيد رفتند و با وی دیدار کردند.

کنکمالی به حزب توده ايران تک و طبقه انقلابی است!

رفیق ساکن بلوار کشاورز - چون مدرکي در دست نيست تعقيب آن براي ما ممکن نيست.
فريبرز - ج ۱۰۰۰ ريال
چميله و صفرا از اسلام شهر
۲۰۰۰ ريال
فصيح ۵۰۰۰ ريال
الف . ب ۲۰۰۰ ريال
آوا از تهران ۳۰۰۰ ريال
ک و ج ۵۰۰ ريال
ح ۴۰۰ ريال
بهداد ۱۰۰۰ ريال
هستي ۲۰۰ ريال
توسط مری در جشن عروسی
جمع آوری شده است ۱۳۰۰۰ ريال
سيروس از کرچ ۵۰۰ ريال

قاسم لودر تدارک...

بقیه از صفحه ۱

پرداخته و برای تحقق نيات پليد خود بر فشار و تضيقات بر مردم زحمتکش روستاها افزوده است و با زور و تهديد آنان را مجبور به خريد اسلحه مي کند.

بر مقامات مسئول و متعهد جمهوري اسلامي ايران، مردم آگاه شهرمان و تيرورهاي انقلابي است، که در اين شرايط حساس، هوشيارانه نقشه ها و توطئه هاي ضد انقلابيون را خنثي سازند و از وقوع درگيري جديد در اين منطقه حساس مرزي، جلوگيري کنند. بدیهی است که توجه اساسي و فوری به خواستها و نيازمنديهاي مردم کمک موثري به خنثي ساختن توطئه هاي ضد انقلاب و منفر د شدن آنان خواهد کرد.

ما هواداران حزب توده ايران در پيرانشهر بار ديگر آمادگی خود را براي دفاع از انقلاب و جمهوري اسلامي ايران و مقابله با توطئه هاي ضد انقلابيون اعلام مي داريم.

ژاپن با تشویق آمریکا مسلح میشود

بزرگترین مشوق و یاری دهنده محافل حاکمه ژاپن در اتخاذ چنین سیاستی، امپریالیسم آمریکاست.

خورد که جهت تجدیدنظر در مفاد قانون اساسی، خصوصاً ماده ۹ آن، که لاقابل بصورت ظاهر، در مقابل اهداف میلیتاریست‌ها موانعی ایجاد کرده است، به عمل می‌آید. هم چنین مباحثاتی که به منظور مجاز شناختن ژاپن در کسب سلاح‌های هسته‌ای از یک طرف و کسب نیرو به خارج از مرزها از سوی دیگر، انجام می‌شود، این هم‌آوایی را واضح‌تر می‌بخشد.

بالارفتن بیشتر بودجه نظامی

"آژانس دفاعی ژاپن" اکنون

بسرور و آزادی تجاری ژاپن و صاحبان کنسرنهای بزرگ آن و فولاد، پشتیبان سیاست گسترش میلیتاریسم در کشورند.

رئیس کنسرن آهن و فولاد "سومیتومو"، را یادآور شد، که یک سال پیش، خطاب به شرکت‌کنندگان در سمینار صاحبان صنایع و بانکداران منطقه "کانسای"، چنین گفت:

"امنیت کشور، به وسیله اقدامات مختلف تأمین می‌گردد. اما آن چقدر مرکز این اقدامات قرار می‌گیرد، وجود یک توان نظامی معین است. از این رو ژاپن باید هزینه‌های دفاعی خود را، از ۹/۹ درصد کل تولید ناخالص ملی در حال حاضر به ۱۱ درصد ارتقاء دهد و بطور کامل و همه‌جانبه، ایجاد یک برنامه نظام وظیفه عمومی را بررسی کند. محافل اقتصادی نیز نباید در تشریح

این نظریه درنگ به خود راه دهند. گزارش "هیوگا" واکنش‌های زنجیره‌ای را در محافل تجاری ژاپن سبب گردید. مباحثات وسیعی در ارگان‌های مختلف تجاری در گرفت - آن هم در جوی که می‌توان آن را به این ترتیب تشریح کرد: در یک نظر خواهی، که توسط مجله "دزای کای" در بین روسای ۵۰ کمپانی عمده ژاپنی انجام گرفت، معلوم شد که دوسوم سئوال - شونده‌گان خواهان ایجاد یک قدرت نظامی - صنعتی برای ژاپن بودند، علاوه بر این، نتایج بررسی دیگری در بین مجمع صنعتگران جوان، که بیشتر از ۲۵۰۰۰ مدیر و سرمایه‌دار زیر ۴۵ سال را در بر می‌گیرد، نشان داد که، تقریباً ۵۴ درصد این مدیران شرکت - کننده در نظر خواهی، با تجهیز ژاپن به سلاح هسته‌ای از ۳۳ درصد به ایجاد یک نظام وظیفه عمومی رای مثبت داده‌اند. "س. کانویکه"، رئیس مجمع یاد شده، در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار کرد:

"در درازمدت، رشد صنایع اسلحه‌سازی و صدور اسلحه ضرور است. البته ما با صدور سلاح‌های هسته‌ای مخالفیم، ولی ژاپن باید به زیرداری - های اتمی و سایر جنگ افزارهای مشابه، مجهز گردد.

روشن است که انحصارها، ژاپن را به عنوان یک قدرت عمده اقتصادی در سطح بین‌المللی، به سوی افزایش نقش نظامی خود نیز سوق می‌دهند. سخنگویان ذینفوذ محافل سیاسی و نظامی نیز در سطح کشور به همین امر مشغولند. ماحصل چنین هم‌آوایی آشکار، در کوشش‌هایی به چشم می -

نقش مشخصی که ایالات متحده در ترغیب نظامی‌گری در ژاپن ایفا کرده، بر همگان آشکار است. این روش واشنگتن هیچ‌گونه تغییری پیدا نکرده است. روزنامه "سانکی" در تفسیری درباره دیدار هارولد براون، وزیر دفاع پیشین آمریکا از ژاپن، در اوایل سال ۱۹۸۰، می‌نویسد:

"برای اولین بار نماینده ایالات متحده از دولت ژاپن خواستار آن شد که هزینه‌های بیشتری را در امور نظامی صرف کند."

نقش آمریکا در رشد میلیتاریسم در ژاپن

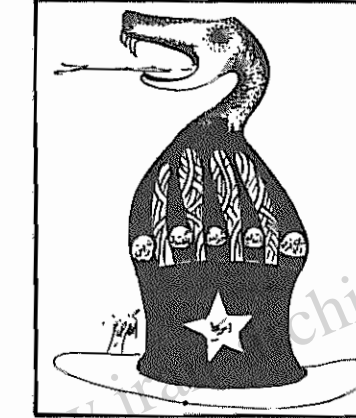
نقش مشخصی که ایالات متحده در ترغیب نظامی‌گری در ژاپن ایفا کرده، بر همگان آشکار است. این روش واشنگتن هیچ‌گونه تغییری پیدا نکرده است. روزنامه "سانکی" در تفسیری درباره دیدار هارولد براون، وزیر دفاع پیشین آمریکا از ژاپن، در اوایل سال ۱۹۸۰، می‌نویسد:

انواع واحدهای تهجمی به شمار می‌آید.

از سال ۱۹۷۹ آغاز گردیده است. در پائین مبدل شده، که ایجاد آن، نقض اصول قانون اساسی ژاپن است. افسران، اعم از افسران جز و ارشد، دوسوم کل کارمندان را تشکیل می‌دهند. نیروی زمینی ژاپن، که در ۱۳ لشکر و واحد مستقل سازمان یافته است، هسته مرکزی نیروهای دفاع ملی را تشکیل می‌دهد. طبق برآورد منابع غربی، ۴۰ لشکر، آنهم از کارآمدترین لشکرها، در جزیره هوکااید مستقر شده‌اند. "سپاه دفاع ملی زمینی" به خلاف آن چهار اسمش پیدا است، یک تکپ هوابرد رانیز شامل می‌گردد. لازم به تذکر است که در قاموس نظامی، واحد هوابرد از

نقش آمریکا در رشد میلیتاریسم در ژاپن

انواع واحدهای تهجمی به شمار می‌آید. از سال ۱۹۷۹، ژاپن در زمینه نوسازی "سپاه دفاع ملی" و به خصوص در نیروی دریایی و هوایی، به اقدامات موشری دست زده و از نظر تجهیزات مقام هفتم را در جهان داراست.



از آغاز سال ۱۹۸۰، محافل تجاری داخلی، با جسارت بیشتری از نیازهای نظامی صحبت به میان می‌آوردند. یکی از مفسرین آژانس خبری "کیودو" در این باره می‌نویسد:

"در خلال دهه گذشته، محافل تجاری مکرراً خواهان افزایش نظامی، توسعه صنایع تسلیحاتی و رفع ممنوعیت صدور اسلحه شده‌اند. اما اظهارات اخیر این محافل نشان‌دهنده یک تلاش از پیش تدارک شده، جهت تجدید تسلیح ژاپن است."

دلایل بی‌شماری در تائید صحت این ادعا وجود دارد. از آن جمله می‌توان اظهارات "هوسای هیوگا"،

انزایش فوق‌العاده هزینه‌های نظامی

مقامات توکیو، تحت فشار گرایش ضد میلیتاریستی مردم ژاپن، استدلال می‌کنند که هزینه‌های "سپاه دفاع ملی" نسبتاً پایین است - در حدود یک درصد تولید ناویژه ملی. اما محاسبه نشان می‌دهد که در طول بیست سال گذشته، بودجه نظامی ژاپن ۱۳ برابر شده و در طرف ده سال گذشته، هزینه‌های نظامی این کشور، بطور متوسط، سالانه ۸ درصد افزایش داشته است. ارقام نامبرده حتی از نرخ‌های مشابه در بین کشورهای عضو "ناٹو" نیز فراتر می‌روند. بودجه نظامی ژاپن، از بودجه نظامی اکثر کشورهای جنوب شرقی آسیا بالاتر است. یک درصد کل تولید ناویژه ملی کشور - اکنون بالغ بر ده میلیارد دلار است، که البته مقدار مطلق آن، به موازات توسعه اقتصاد ژاپن، افزایش یافته است. صنایع نظامی ژاپن نیز سرریز در حال گسترش است. این امر ابتدای نتیجه سفارش‌های ایالات متحده در ارتباط با جنگ کرم بود. در سال ۱۹۵۰، حدود ۲۰۰ شرکت ژاپنی، معادل ۲۰۰ میلیون دلار برای انجام سفارش‌های نظامی کسب کردند. این مبلغ سال بعد به ۵/۵ برابر افزایش یافت. در آن زمان، نیروهای مسلح ژاپن تنها نیمی از نیازهای خود را از منابع داخلی تأمین می‌کردند، نیم دیگر از ایالات متحده وارد می‌شد. امروزه وضع به صورت قابل توجهی تغییر یافته است. در حال حاضر، شرکتی ژاپنی بیش از ۹۰ درصد نیازهای نیروهای مسلح کشور را تأمین می‌کند، که شامل ۷۵ درصد سلاح‌های سبک، ۷۷ درصد هواپیما، ۹۵ درصد مهمات و حدود صد درصد کشتی و زیردریایی است. در عین حال باید خاطر نشان ساخت که، حجم تدارکات نظامی نیز هم سطح کیفیت فنی اسلحه و تجهیزات، افزایش پیدا کرده است.

بر اساس گزارش منابع ژاپنی، بیش از ۲۲۰۰ کمپانی این کشور به تأمین احتیاجات نظامی ژاپن مشغولند. این شرکت‌ها، غول‌هایی نظیر "میتسوبیشی"، "ایس‌کی"، "ایجیما - هاریما"، "توشیبا"، "هیپتاجی"، "پنهون دتکی" و "شین میوا" را شامل می‌گردد. روابط نزدیک و صمیمانه کنسرن‌های تولید کننده اسلحه، با "آژانس دفاعی ژاپن"، و ژنرال‌ها و رهبران حزب حاکم لیبرال - دمکرات این کشور، امری نیست که در خانگاه داشته شود. رشد دائم التزاید نمود مجتمع نظامی - صنعتی بر سرپایه ژاپن به نحو بارزی نشان دهنده ایجاد کارزار میلیتاریستی بی‌سابقه‌ای است که از

تأثیرات بودجه‌های هنگفت کشور را که باید در راه پیشرفت اجتماعی و رفاه خرج شود، به خود اختصاص دهد. رقم ۶۰۰ میلیون یمن (تقریباً ۳ میلیارد دلار) که از سوی آژانس دفاعی برای تبلیغ در راه جنگ و اشاعه فکر "لزوم تحکیم نیروهای دفاع ملی" اختصاص داده شده نشان‌دهنده "تنگنا کوشه‌ای از این احتیاج است.

اسنادی نظیر "کتاب سفید دفاعی" "گزارش کمیسیون ویژه وزارت امور خارجه در مورد تأمین امنیت ژاپن در دهه ۸۰" و بسیاری از اسناد نظیر آن بوضوح این گرایش میلیتاریزه کردن کشور را نشان می‌دهند. گرایشی که برای رشد آن تبلیغات فراوان در مورد به اصطلاح "خطر شوروی" در کشور نیز بطور وسیعی دامن زده می‌شود.

ژاپن، به تشویق، پشتیبانی و یاری همه جانبه امپریالیسم آمریکا، زاه بس خطرناکی را در پیش گرفته است، بگونه - ای که حتی مجله آمریکایی "تایم"، که وابسته به بورژوازی بزرگ این کشور است، نیز بدین اعتراف می‌کند:

"از ۱۹۴۵ تا کنون، هیچگاه ژاپن تا این حد گرایش به نظامی‌گری نداشته است. ژاپن اکنون عملاً "صلح‌جویی" را بکنار گذاشته و به درخواست‌های ایالات متحده در مورد ایجاد یک ساختار نظامی به موازات قدرت اقتصادی خود، جواب مساعد داده است."

نبرد در بیست سال گذشته، بودجه نظامی ژاپن ۱۳ برابر شده و هزینه‌های نظامی آن در سال بطور میانگین ۸ درصد افزایش یافته است.

تأثیرات بودجه‌های هنگفت کشور را که باید در راه پیشرفت اجتماعی و رفاه خرج شود، به خود اختصاص دهد. رقم ۶۰۰ میلیون یمن (تقریباً ۳ میلیارد دلار) که از سوی آژانس دفاعی برای تبلیغ در راه جنگ و اشاعه فکر "لزوم تحکیم نیروهای دفاع ملی" اختصاص داده شده نشان‌دهنده "تنگنا کوشه‌ای از این احتیاج است.

اسنادی نظیر "کتاب سفید دفاعی" "گزارش کمیسیون ویژه وزارت امور خارجه در مورد تأمین امنیت ژاپن در دهه ۸۰" و بسیاری از اسناد نظیر آن بوضوح این گرایش میلیتاریزه کردن کشور را نشان می‌دهند. گرایشی که برای رشد آن تبلیغات فراوان در مورد به اصطلاح "خطر شوروی" در کشور نیز بطور وسیعی دامن زده می‌شود.

ژاپن، به تشویق، پشتیبانی و یاری همه جانبه امپریالیسم آمریکا، زاه بس خطرناکی را در پیش گرفته است، بگونه - ای که حتی مجله آمریکایی "تایم"، که وابسته به بورژوازی بزرگ این کشور است، نیز بدین اعتراف می‌کند:

"از ۱۹۴۵ تا کنون، هیچگاه ژاپن تا این حد گرایش به نظامی‌گری نداشته است. ژاپن اکنون عملاً "صلح‌جویی" را بکنار گذاشته و به درخواست‌های ایالات متحده در مورد ایجاد یک ساختار نظامی به موازات قدرت اقتصادی خود، جواب مساعد داده است."

زیر پا گذاردن قانون اساسی

محافل حاکمه ژاپن در راه انجام چنین سیاستی، قانون اساسی کشور را نیز زیر پا گذاشته‌اند. ماده ۹ قانون اساسی ژاپن می‌گوید:

"مردم ژاپن برای همیشه جنگ را به عنوان یکی از حقوق حقه ملت و تهدید توسط قوای مسلح و یا بکار بردن این قوا، را، بعنوان یکی از طرق حل منازعات بین‌المللی، رد می‌کنند... (ژاپن) حق نگهداشت نیروهای مسلح زمینی، هوایی و دریایی و دیگر توان - های رزمی را ندارد. برای کشور حقیقی برای تعرض بر سمیت شناخته نخواهد شد."

بلافاصله پس از جنگ دوم جهانی محافل حاکمه، رایی این مفاد صریح قانون اساسی کشور را زیر پا گذاردند و این امریست که توسط امپریالیست‌های آمریکایی، که در تلاش تبدیل ژاپن به یکی دیگر از دره‌های سیاست توسعه - طلبانه بین‌المللی خود و یک شریک موثر و مفید هستند، تشویق می‌شود.

سی و یکسال پیش، با بروز جنگ در کره، توکیو به ایفای نقش شریک جرم ماجراجویی‌های نظامی ایالات متحده اظهار تمایل کرد. تصادفی نبود که سال ۱۹۵۰، به ابتکار واشنگتن، سال ایجاد نیروهای ۷۵۰۰۰ نفری پلیس ذخیره ملی ژاپن اعلام شد. دوسال بعد، این نیرو به یک "نیروی امنیتی" و دو تغییر از آن، به "سپاه دفاع ملی" نیرو به یک "نیروی" حال حاضر، این ۲۰ نفری

جمهوری خلق مغولستان

یک نمونه بر جسته بر تری سوسیالیسم پر سر مایه داری

باند‌های گارد سفید و رهایی اجتماعی توده‌های خلق تعیین گردید. هنوز مدت زیادی از پایه‌گذاری حزب نو پای کمونیست‌های مغولستان نگذشته بود که، این حزب انقلاب مردمی را به پیروزی رسانید، بدین سان، شرایط برقراری حاکمیت خلق را فراهم آورد. اکنون لازم آمد که حزب خلق مغولستان بار سنگین پیکار در راه نجات مغولستان را از او پاس - ماندگی، فقر، گرسنگی، بیماری و بیسوادی بردوش گیرد.

کار بست پیروزمندانیه تئوری راه رشد غیر سر مایه داری

انقلابیون مغولستان، بویژه د. سوخباتور، به کار بست شناخت‌های لنین در باره امکان پیروزی جامعه - بقیه در صفحه ۶

از سرزمینی عقب افتاده به کشوری شکوفا

شصت سال پیش، مغولستان یکی از عقب افتاده ترین کشورهای جهان محسوب می‌شد و اگر کسی جرات می‌کرد، جامعه‌ای شکوفا، چون مغولستان امروز را پیش - بینی کند، بی گمان، به مندار بیانی متهم می‌گردید. با این همه، بهترین فرزندان خلق مغول مبارزه را آغاز کردند. آنها از انقلاب پیروز پرولتاریای روسیه در اکتبر ۱۹۱۷ توان گرفتند و چندی بعد، از کمک و پشتیبانی حزب لنین نیز بهره مند شدند. در نخستین کنگره کمونیست‌های مغولستان، که در مارس ۱۹۲۱ برگزار گشت، محافل انقلابی گوناگون سراسر کشور بیکدیگر پیوستند و حزبی واحد، یعنی حزب خلق مغولستان را پایه نهادند. هدف این حزب مبارزه در راه استقلال ملی (پس از بیش از دو بیست سال سیادت منچوری، اشغال نظامیان چینی و تهاجم

سال ۱۹۸۱ سال پروریدادی برای جمهوری خلق مغولستان بشمار می‌رود. در روز دهم اسفند ۱۳۵۹ (۱۱ مارس ۱۹۸۱) کمونیست‌های مغولستان بحق توانستند به شش ده مبارزه انقلابی جانپازانه در راه بهروزی خلق خود ببالند و در ۲۰ تیر ۱۳۶۰ (۱۱ ژوئیه ۱۹۸۱) مردم این کشور شصتین سالگرد پیروزی انقلاب خلقی مغولستان را بزرگ خواهند داشت. میان این دو جشن فرخنده، نمایندگان ۷۵ هزار عضو و نامزد حزب انقلابی خلق مغولستان، در اوایل خرداد (اواخر مه) در هجدهمین کنگره این حزب تصمیمات مهمی را درباره مرحله‌ای تحول جامعه سوسیالیستی در جمهوری خلق مغولستان بررسی خواهند کرد.

سنن انقلابی، موفقیت‌های پنج سال گذشته و برنامه آینده حزب، این روزها و هفته‌ها، بگونه‌ای غرور آفرین، نمایانگر دستاوردهای درخشان و چشم - انداز نوید بخش مغولستان سوسیالیستی هستند.

کارگران کارخانه سورفیران:

«ماده ۳۳ قانون کار مثل این است که اگر با کسی اختلاف داشته باشی، او را بکشی و بعد خونبهای او را بدی» (یکی از کارگران سورفیران)

«از شام شب خودمان می زنیم و به پیروزی در جنگ کمک میکنیم!»

کارخانه سورفیران (تهران) مصنوعات چوبی تولید می کند و به بخش خصوصی تعلق دارد. پای صحبت یکی از کارگران این کارخانه می نشینیم و شرایط عمومی کار و زندگی کارگران و وضع کارخانه را از زبان اومی شنویم: «ما برای هر مسئله ای با کارفرما درگیری داریم. برای تاسیس تعاونی دوسال رفتیم و آمدیم، تا سرانجام مقداری پول از آنها گرفتیم. از طرفی اخراج کارگران در این کارخانه به سادگی امکان پذیر است. هر وقت کارگری حق خودش را بخواهد، به او مارکی می زنند و اخراجش می کنند. بهداشت کارخانه نیز وضع مساعدی ندارد. کار ما کار تمیزی نیست و در نتیجه کارخانه باید حمام داشته باشد، اما ندارد.»

کارگران حضور داشته باشند. ما معتقدیم که کارهای کارخانه باید بر نظارت شورا انجام گیرد.

کارگران و جنگ تحمیلی

یکی از کارگران علل پیدایش جنگ را چنین تشریح کرد: «ریشه جنگ در استقلال جمهوری اسلامی ایران است. چون همه جهان - خواران را از خود رانده ایم، این جنگ راه افتاده است. برای آمریکا سرکوب انقلاب مردم ایران خیلی مهم است. و به همین دلیل برای به دست آوردن منافع از دست رفتن آن در ایران دست به هر کاری می زند. حمله عراق به ما مثل حمله شاه ملعون به ظفار بود. این جنگ سرنوشت ساز است. ما باید در این جنگ پیروز شویم. اگر در این جنگ شکست بخوریم، همه کشورهای وابسته منطقه، حتی امارات متحده عربی بر ما هجوم خواهند آورد.»

نماینده شورا درباره جنگ گفت:

«ما مخالف این ماده قانون کار هستیم. معنی ندارد که وقتی یک کارفرما از کارگری خوشش نیاید، او را اخراج کند. این مسئله مثل این است که کسی یک نفر را بکشد و بعد هم در مقابل اعتراض دیگران فقط پول خون او را بدهد. اخراج کارگران باید به نظر شورا یکی از نمایندگان شورا در زمینه مشکلات شورا گفت: «اشکال اصلی و کلی کارشوراها در این است که هنوز مقامات مسئول حدود قانونی وظایف شورا را اعلام نکرده اند. به نظر ما برای تعیین این حدود حتما باید نمایندگان واقعی

«این جنگ به ما تحمیل شده است و وظیفه کارگران در این جنگ، داوطلب شدن برای رفتن به جبهه جنگ و کار کردن و افزایش تولید در پشت جبهه است. هر چند کارگران در مضیقه هستند اما به جنگ زده ها کمک می کنند و از شام شب خودشان می زنند و به جنگ کمک می کنند.»

کارگرد پیگری در مورد جنگ تحمیلی گفت: «جنگ تحمیلی را عراق شروع کرد

آوری کمک مالی از طریق شورا و رفتن سرتن از کارگران به جبهه را نام برد. ناگفته نماند که حقوق این سرتن از طرف کارخانه پرداخت نمی شود. کلاس های تعلیم اسلحه نیز، علی رغم خواست کارگران، به علت مخالفت کارفرما در این کارخانه تشکیل نشده است. نمونه بالا بازم نشان دهنده آن است که طبقه کارگر ایران سرنوشت خود را با پیروزی این انقلاب پیوند زده است و روش اصولی خویش را در

حمله صدام به ایران مثل تجاوز شاه ملعون به ظفار، توطئه کثیف امپریالیسم، بسرگردی آمریکاست.

کشورهای امپریالیستی مانند آمریکا، فرانسه و انگلیس از او پشتیبانی می کنند. ما باید از نظر مالی، جانی و کاری کمک کنیم، تا پیروز شویم. ما باید از درگیری و تفرقه جلوگیری کنیم و بگذاریم قانون به اجرا درآید.»

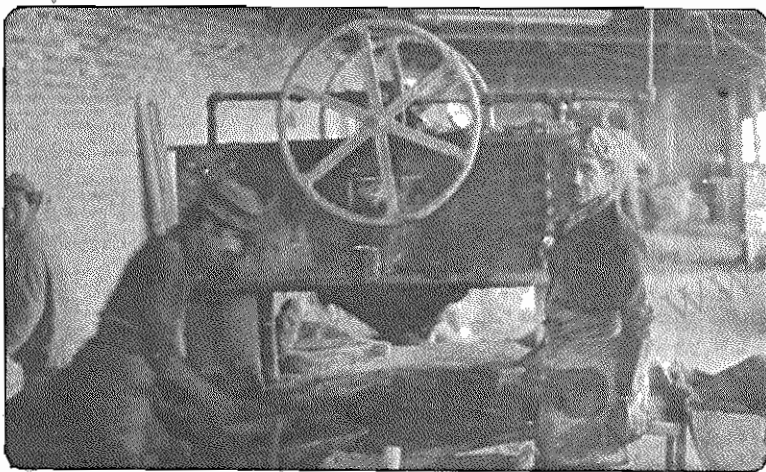
از اقدامات کارگران این کارخانه برای کمک به جبهه جنگ می توان جمع - دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن می داند. مشکلات و خواست های این گروه از زحمتکشان میهن مان نیز در چارچوب خواست های عمومی طبقه کارگر ایران است. وظیفه مقامات مسئول است که با حل این مشکلات و جواب مثبت به خواست های زحمتکشان، همراه با آنان

پای صحبت کارگران

در تشبیه، تحکیم و گسترش انقلاب بکشند.

و کلام آخرین که، برآستی آیا کارگرانی که در خطوط مقدم جبهه می جنگند، نباید دستمزد بگیرند؟ اگر زحمتکشانی که حتی از بذل جان برای دفاع از انقلاب دریغ نمی کنند، کمترین تأمین نداشتند باشند، پس چه کسی مستحق تأمین و شایسته توجه است؟ و در شرایطی که رهبر انقلاب کارگران را «ستون فقرات استقلال کشور» می داند و آنان را یگانه نیروی ارزیابی می کند که در مبارزه با طاغوت در پیروزی انقلاب، در شکست توطئه های دشمنان و در سد کردن تجاوز آمریکا صدام، استوار و دلآور، به دفاع از میهن انقلابی و انقلاب ضد امپریالیستی مردمی ایستاده اند. آنگاه آیا عدم پرداخت دستمزد کارگران اعزامی به جبهه بوسیله کارفرما نوعی دهن کجی به نظام انقلابی ما، نیست؟ در سال حاکمیت قانون، سالی که بی شک انقلاب باید در همه جبهه ها تعرض کند و واقف های تازه ای را فتح کند، امنیت شغلی و تأمین اجتماعی کارگران را باید از جمله وظایف جدی مسئولین امر و بویژه وزارت کار و امور اجتماعی دانست.

به مسئله کارگران خارجی باید بطور جدی و همه جانبه رسیدگی کرد



کارگران موزائیک سازی به علت چابک شدن قالبهای سنگین، اغلب بیماری دیسک دارند.

عدم پرداخت حقوق حقه کارگران، که در قانون کار آمده است، بکار می گیرند و در نتیجه کارگران بومی از کار محروم می شوند و به لشکر بیکاران می پیوندند. از عوارض دیگر این مشکل، بوجود آمدن استثمار شدید، کارکردن آنها به شکل کارمزدی با مزد کم و در نتیجه رقابت با سایر کارگران است. از سوی دیگر بخشی از افغانی ها با آگاهی کمی که دارند و همچنین به علت نیاز مالی شدید، به دام گروه های ضد انقلابی افغانی در ایران می افتند و به عضویت این گروه ها در می آیند. آنها نیز از این عده برای انواع خرابکاری ها، بویژه بر ضد انقلاب ایران، سوء استفاده می کنند. چندی پیش وزارت کار اعلام کرد که از بهار گرفتن کارگران خارجی جلوگیری می شود. ولی این مساله هنوز بطور جدی پیگیری نشده است. ما از مسئولین می خواهیم که این مسئله مهم و حساس را همه جانبه مورد بررسی قرار دهند، تا هم به زحمتکشان افغانی ظلم نشود، هم زحمتکشان ایرانی زیر فشار قرار نگیرند و هم دست سوء استفاده گر ضد انقلاب کوتاه شود.

می کند. تنها با تومائیک یا نیمه تومائیک شدن این دستگاه خطر رفع می شود. اما سرمایه دارها به علت گرانی دستگاه زیر بار خرید آن نمی روند. وی در مورد وسایل مورد نیاز کارگاه افزود: «قسمتی از مواد اولیه مثل سیمان و شن از کرمان و قسمتی از وسایل مانند قالب، از تهران تأمین می شود. در مورد بعضی دیگر، مثل قورقه های مخصوص سائیدن موزائیک، سمپاده و سیمان سوند وابسته به خارج هستیم و از این لحاظ مشکلاتی داریم. مثلاً قورقه را قبلاً بسته های ۱۵۰ تومانی می خریدیم، ولی حالا مجبوریم همان قورقه را بسته های ۴۰۰ تومانی بخریم.»

همانطور که می دانیم، مسئله بیکاری یکی از معضلات بزرگی است که میهن انقلابی ما با آن درگیر است. این مشکل سواى علل عینی و عمدتان، یک رشته علل فرعی نیز دارد، که به آن دامن می زند، یکی آن ها وجود کارگران خارجی، از جمله افغانی است. این گروه از کارگران خارجی از دوسو باعث ایجاد مشکل در جامعه ما شده اند. از سویی کارفرمایان آنها راه علت گرفتن دستمزد کم و همچنین برای

در کرمان حدود ۶۰ کارگاه موزائیک سازی وجود دارد. محصول این کارگاه ها، علاوه بر تأمین نیاز شهر کرمان به سبدهای دیگر نیز صادر می شود. در این کارگاه ها معمولاً دو دسته کارگر به کار مشغول هستند: کارگران بومی، که اغلب بطور رسمی استخدام شده اند، و گروه دیگر کارگران افغانی هستند، که با مزد کم و به شکل کارمزدی کار می کنند. وجود کارگران افغانی در این کارگاه ها مشکلات زیادی برای کارگران بومی ایجاد کرده است. علی حیدری، سرکارگر یکی از کارگاه های فوق، درباره این مساله گفت: «یکی از مشکلات ما کارگران افغانی هستند. صاحب کارگاه آنها را به علت مزد کمی که می گیرند، بر سر کار می آورد. این مسئله باعث افزایش بیکاری در میان کارگران بومی می شود. کارگرد پیگری بنام علی غنی پور، از کارگاه متحد، درباره این مشکل گفت: «وجود کارگران افغانی باعث پایین آمدن سطح دستمزد و افزایش بیکاری در میان کارگران ایرانی است. کارفرما هم به خاطر اینکه آنها کم دستمزد می گیرند و همچنین برای پرداخت نکردن حقوق کارگران، مانند حق مسکن، حق خواربار، حق اولاد و دیگر حقوق کارگران بیشتر مایل است آنها را بکار گیرد.»

وی در دنباله سخنانش در باره مشکلات دیگرین شغل اظهار داشت: «ما با سختی ها خود گرفته ایم. آیا این مشکل نیست که صبح تا شب قالب های ۴۰ الی ۵۰ کیلویی را جا بجا کنیم؟ با این حال نسبت به قبل از انقلاب، مشکلاتمان کمتر شده است. بطور مثال، بعد از انقلاب توانستیم کارفرما را مجبور کنیم برای ما حق مسکن و حق اولاد در نظر گیرد.»

علی حیدری نیز در بخشی از سخنانش به دیگر مشکلات کارگران این صنف اشاره کرد و گفت: «کارگران موزائیک سازی اغلب به بیماری دیسک دچارند. علت آن هم سنگینی قالبها است. علاوه بر آن، خطر دستگاه پرس نیز کارگران را تهدید

نمایشگاه کارگری در زنجان



کارگران و زحمتکشان مواجه شد، کار و زندگی کارگران در کارگاه های زنجان و مسائل مربوط به طبقه کارگر، همراه با عکس و طرح، به نمایش گذاشته شد.

بمناسبت فرارسیدن اول ماه مه، روز یازدهم اردیبهشت از سوی سازمان حزب توده ایران در شهرستان زنجان، نمایشگاه عکسی در این شهر برگزار شد. در این نمایشگاه، که با استقبال

با تأمین قطعات یدکی، زمینه افزایش تولید فراهم میشود

در کارخانه نخ استریچ قم عواملی می کوشند با بهره گیری از کمبودها و دشواری ها، کارگران را نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران بدبین نکنند و این طور وانمود کنند که «حاکمیت موجود» هیچ کاری بسود مردم انجام نداده است.

در این کارخانه به علت نبودن بعضی قطعات و وسایل کمکی ماشینها و دستگاه ها، نظیر چله و ماکو، حدود صد و شصت دستگاه از کار افتاده است. کارفرما را کاند مانند بخشی از دستگاه ها را صرفاً «نتیجه» کمبود وسایل یدکی می داند.

کارگران کارخانه، که بیش از هر چیز ب فکر تولید و افزایش میزان آن هستند، نمی توانند بهانه های مختلف را بعنوان «دلیل» و آن هم «حجت تمام» بدانند. بطوری که گویا چاره ای نیست جز تعطیلی تدریجی واحدها. برعکس، کارگران از مسئولین امر می خواهند که با پا در میانی در جهت رفع کمبودها فعالانه گام بردارند. مهم این است که اگر حفظ امکانات تولیدی، ایجاد کند، دولت باید راساً اداره بعضی واحدها را در دست گیرد.

کارگران نخ استریچ، از نظر رعایت موازین بهداشتی محیط کار نیز خواستار اقدام بجا و اجرای قوانین و ضوابط اند. با نزدیک شدن فصل تابستان، کمبود آب سردکن نیز در کارخانه مطرح است، که کارگران خواستار تأمین آن هستند.

کشاندن کارگران به اعتصاب و تحصن و درگیری، توطئه ضد انقلاب

۴ خبر از روستاهای منطقه

داده می شود و اهالی از تبعیض بین دهات و شهرها بسیار ناراحت اند. ضمناً اهالی معتقدند که شرکت تعاونی موجود به وظیفه خود عمل نمی کند و کالاهای ضروری مردم را کمتر از میزان دریافتی از دولت، بین آنها توزیع می کند.

دهقانان سراب نیز، بسان دیگر دهقانان ایران، تصمیم گرفته اند که هر دانه از بذر را که می کارند، همچو خاری به چشم امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، بنشانند. آنان از هم اکنون بیلهاشان را به کار انداخته اند، تا به عشق پیروزی بر تمام توطئه های آمریکا، زمین را بذرپاشی، کشت و سپس برداشت کنند.

اهالی روستاهای رازلیق و شیرواجیق نیز در این میان کوشا هستند و از دولت می خواهند که هر چه زودتر با قطع دست بزرگ مالکان از روستا و رساندن کود شیمیایی به آنان، آنها را یاری رسانند، این دهقانان مشتاقانه انتظار روزی را می کشند که با کار خویش، گور امپریالیسم آمریکا و صدام را بکنند. وظیفه مقامات دولتی است که با رسیدگی به وضع آنان، به امیدشان قوت و اطمینان بخشند.

در منطقه شبستر حدود ۵۰ موزه مرغداری وجود دارد. ۲۰ عدد از این موزسات برای تخم مرغ و بقیه پرورش گوشت است. بقیه مرغ و بقیه از این موزسات، بقیه با کیفیت خیلی پایین مشغول کار هستند. در اکثر آنها جوجه ها را در سالن های غیر بهداشتی و بدون نظارت کارشناس فنی پرورش می دهند. در بعضی مواقع حتی از تویله های گاو و گوسفند نیز برای این کار استفاده می شود. در نتیجه بازده کار آنها در سطح نازلی قرار دارد.

اکنون که مسئله کمبود مرغ در سطح جامعه مطرح است، باید به این موزسات توجه جدی مبذول شود. گران شدن قیمت خوراک مرغ (دان) موجب گردیده است که مرغ دارها نتوانند، آن طور که لازم است، به پرورش مرغ توجه کنند و در این موقعیت حساس مملکت، آن را از نظر گوشت مرغ تامین کنند.

بعد از پیروزی انقلاب عده ای از مرغداران خواستند یک سازمان صنفی برای خودشان تشکیل بدهند، تا بدین طریق تهیه خوراک طیور آسان گردد. ولی چون همه مرغداران خرده پا متحد نشدند و از طرف مقامات مسئول نیز کمکی نشد، در نتیجه کاری از پیش نرفت.

اجرای اصول بهداشتی در موزسات تولیدی از کارهای مهمی است که بایستی در مد نظر دست اندرکاران امور قرار گیرد. دولت انقلابی کمک های شمر بخشی به مرغداران می تواند بکند تا در موقعیت حساس کنونی، این مرغداران را، هر چند کوچک یا متوسط بتوانند بازده عالی کار بدست آورند و قسمتی از مایحتاج منطقه را تهیه کنند.

تشکیل یک تعاونی برای رفع نیازمندی ها و خرید مواد مورد نیاز بدون مداخله واسطه ها و همچنین همکاری با جهاد سازندگی ضرورت دارد.

روستای ممقان در ۳۰ کیلومتری تبریز واقع شده است. این روستا با جمعیتی حدود ۱۰ هزار نفر فاقد پزشک و درمانگاه است. البته پزشکی که در روستای ایلخچی کار می کند، هر روز یکی دو ساعت به این روستا می زند، ولی این پزشک، با ۲ ساعت در روز، وقت رسیدگی به وضع بهداشت و بیماری اهالی را ندارد. هر روز یکصد نفر، بطور متوسط مراجعه می کنند. ما از مسئولین وزارت بهداشتی می خواهیم که با توجه به شرایط این منطقه، هر چه زودتر در جهت تامین پزشک و دارو برای روستای ممقان رسیدگی و اقدام کنند.

وضع آب آشامیدنی روستای چرزخون بسیار نابسامان است. یک شیر آب در بالای ده وجود دارد، که معمولاً بعد از ۲ ساعت، نوبت برداشتن آب به یکی از اهالی می رسد، و لذا روزی نیست که بر سر آب درگیری رخ ندهد. این روستا، که از توابع بستان آباد تبریز است، تا سیم های برق کمتر از ۲ کیلومتر فاصله دارد، ولی فاقد برق است. در مورد ارزاق عمومی یکی از اهالی می گوید: "در اینجا به هر خانواده ۵ نفری هر ۲ یا ۳ ماه یک حلب روغن

دهقانان «شور آب» بی صبرانه در انتظار اجرای بند «ج» قانون اصلاحات ارضی هستند

است. ولی دوسال پیش از وسط چراگاه کانالی کشیده شده است، که مورد اعتراض دامداران است. یکبار توسط یکی از دامداران، شکایت به جنگلانی شده است، اما مقامات مسئول هنوز در این مورد اقدام نکرده اند. اهالی روستای شورا، تا بحال سه بار به استانداری، اداره کشاورزی خوی، نماینده شهرستان در مجلس و بعضی از نشریات نامه نوشته اند و خواستار اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی و رفع توقفات این قانون شده اند.

عدم توزیع بموقع وعادلانه رزاق و مایحتاج مورد نیاز روستاییان، بخصوص توزیع نامعادلانه نفت، باعث گله و شکایت اهالی شده است. جاده روستا، که به شهرستان خوی متصل می شود، خراب است و احتیاج به شن ریزی دارد.

۴ سال پیش، با همیاری اهالی، ده سیم کشی شد، اما اکنون تیرهای برق آن خراب شده است و هر لحظه امکان دارد که آتش سوزی رخ دهد. خانه یکی از اهالی، که از آن به عنوان درمانگاه روستا استفاده می کنند، کمک چندانی به اهالی نمی کند. اهالی خواهان یک درمانگاه هستند که لااقل اگر کسی مریض شد، مجبور نشوند مسافت زیادی را تا شهر طی کنند.

از آب لوله کشی در روستا خبری نیست و آب آشامیدنی اهالی از چشمه ای تامین می شود که در حال خشک شدن است و پاسخوری نیاز اهالی نیست. مدرسه یک کلاس این روستا، که از گل بنا شده است، هر آن احتمال دارد که ریزش کند و جان ۵۰-۴۰ نفر از دانش آموزان را بخطر اندازد.

خوشبختانه از اوائل پائیز ۵۹، اهالی با کمک جهاد سازندگی، یک مدرسه ۴ کلاسه را بنا نهاده اند، ولی هنوز ناتمام است.

امیدوار هستیم که مقامات مسئول مشکلات و مسائل روستاییان شورا را جدی تر بگیرند. خواست اصلی این روستاییان روشن است. خود آنها بارها به مقامات مسئول نامه نوشته اند و از آنها خواسته اند که "بند ج"، که توقف آن زبان های فراوان به حال دهقانان و انقلاب دارد، هر چه زودتر به اجرا درآید.

روستای "شوراب"، با حدود ۵۰ خانوار جمعیت، در ۲ کیلومتری شهرستان خوی واقع است. خواست اصلی دهقانان زحمتکش این روستا "زمین" است. از اراضی وسیع این روستا چیزی نصیب دهقانان نیست و بیشتر زمین های زراعتی در دست کسانی است که در شهر شاغل اند و کاری به روستا ندارند. از ۵۰ خانوار اهالی این روستا، ۲۳ خانوار اصلاً زمین ندارند. همچنین ۱۰ خانوار از اهالی صاحب ۱ تا ۲ هکتار زمین هستند و بقیه در حدود ۳ تا ۴ هکتار زمین دارند. قبل از انقلاب مسئله کشاورزی در این روستا به این صورت بود که صاحبان اراضی، زمین های خود را به دهقانان بی زمین و کم زمین می دادند و تمام مخارج دیگر به عهده دهقانان بود و آخر سر، هنگام برداشت، نصف محصول را صاحبان اراضی می بردند.

بعد از انقلاب، اواخر مرداد ۵۹، هیئت واگذاری زمین، با کمک افراد جهاد سازندگی و سپاه پاسداران به روستای شوراب آمدند و لیست اراضی و دهقانان مشغول قانون را تهیه کردند. دهقانان حتی دو نفر نماینده، از میان خود کردند. اما با توطئه یکی از مالکین، عمل واگذاری زمین انجام نشد. همچنین روحانی نمای روستا، که در بالای منبر عمل هیئت ۷ نفری را "گونیستی" خوانده بود و خواهان این شده بود که اقدامات این هیئت متوقف شود، علاوه بر این توطئه شریک شد. واضح است که انقلاب از موفقیت بزرگ مالک زبان دید و دهقانان حامی انقلاب از آن متأسف شدند.

در ده آب زراعی ناکافی است، تا آنجا که در تابستان محصولات می خشکد. واگذاری ماشین های مدرن کشاورزی از طرف دولت انقلاب خواست دیگر دهقانان است. همچنین در ده بعضی از زمین ها را سبک کاری کرده اند، اما برای مقابله با فاقات، سم و وسایل سم پاشی ندارند.

دامداری در این روستا رواج دارد و اغلب دهقانان بی زمین دارای ۲ تا ۳ رأس گاو هستند و از این راه امرار معاش می کنند. برای دامداری چراگاه وسیعی وجود دارد، که مورد استفاده دامداران دو روستای شوراب و امینده

ویژه روستاهای آذربایجان

با واگذاری زمین و امکانات کافی به روستاییان زحمتکش، از مهاجرت آنها به شهرها جلوگیری کنید.

در اطراف شهر تبریز، محلاتی قرار دارند که بیشتر ساکنان آن ها را روستاییانی تشکیل می دهند که از روستای خود، بدلیل نبودن زمین و امکانات زندگی، بریده اند و به این مکان ها روی آورده اند. این محلات، مانند محله قربانی در دامنه کوه های عین علی واقع شده اند و فاقد هرگونه امکانات ابتدایی از قبیل: مدرسه، درمانگاه، برق، آب لوله کشی، جاده و... هستند.

دهقانان مهاجر، یا به دلیل از دست دادن زمین های خود و غصب آنان توسط بزرگ مالکان و یا نبودن امکانات کافی جهت کشت و زندگی، مجبور شده اند که خانه و گله های خود را راه سازند و به دیار غربت روی آورند. ضروری است که اینک به وضع ساکنان این محلات رسیدگی شود.

اطاق هایی که ساکنان با تعداد زیادی در آن زندگی می کنند، بقدری تنگ است که اعضای خانواده به زور در آن جا می شوند. حداکثر وسعت اطاق ۳×۴ متر است.

مردان به تنهایی قادر نیستند معاش روزانه خانواده را تامین کنند. به همین جهت زنان مجبورند با بافتن قالی در این امر کمک مردان باشند. مردها بیشتر از نصف سال را بیکار هستند. اهالی مبارزان انقلابی این محلات در سرنگونی رژیم خائن پهلوی سهم شایسته ای داشتند و هم اکنون نیز حاضرند برای نبرد با تجاوز آمریکایی صدام راهی جبهه ها شوند. آنها معتقدند که اگر جنگ تمام شود، دولت به خواست های آنها رسیدگی خواهد کرد. آنها واقعا به انقلاب امیدوارند و از مقامات مسئول می خواهند که حداقل وسائل و امکانات زندگی را برای آنها فراهم آورند. آنها عقیده دارند که اگر دولت انقلابی، زمین به اندازه کافی برای کشت در اختیار آنها بگذارد، می توانند بار دیگر به روستاهای خود برگردند و برای رشد و گسترش انقلاب و نیز به فرمان امام خمینی عمل کنند. بیشتر بیکارند تا کشورشان خودکفا گردد. یکی از مهمترین دلایل مهاجرت این روستاییان به شهرها نبودن زمین در دست آنهاست. مالکان بزرگ، در گذشته، بانکیه برزور و تزویر، اراضی این دهقانان زحمتکش را به نفع خود غصب کردند و باعث مهاجرت آنها به شهرها شدند. با واگذاری اراضی، که در حقیقت به خود دهقانان تعلق دارد بکوشیم تا بار دیگر این روستاییان زحمتکش را به روستاها جلب کنیم، تا هم آنان صاحب زمین شوند و هم به رشد و باروری کشاورزی کمک کرده باشیم. همچنین باید امکانات تولیدی ضروری و شرایط اولیه یک شایسته را در اختیار این مستضعفان روستا گذاشت تا جلو مهاجرت روستایی گرفته شود و حاشیه نشینی کناره شهرها از بین برود.

امام خمینی: به کشاورزان بگوئید مانده طرفدار فتوای هسیتیم نه طرفدار سرمایه دار.



یکی از روستاییان قره آغاج: عراق کارهای نیست، ما با شیطان بزرگ می جنگیم و همه باید با هم باشیم

روستای قره آغاج، با ۵۳ خانوار جمعیت (۳۰۰ نفر)، از محال بکشورچای، در ۴ کیلومتری ارومیه قرار گرفته است. اکثر اهالی روستا کم زمین هستند. ۷ خانوار از ۱۷ خانوار دهقانان بی زمین این روستا از کردهای منطقه هستند و به تازگی در ده ساکن شده اند.

روستا فاقد درمانگاه، آب لوله کشی، حمام و مدرسه است. مدرسه ۴ کلاسه در یک کیلومتری قرار دارد و بچه ها باید پیاده این راه را طی کنند. شورای ده با کمک سپاه پاسداران تشکیل شده است. این شورا مایحتاج اهالی را، از قبیل قند، چای و برنج تامین می کند.

جهاد سازندگی می خواهد سدی بر روی رودخانه این منطقه بزند، که این سد می تواند ۲۷ روستا را از لحاظ آب زراعی تامین کند. ۲۰ درصد هزینه این سد را روستاییان پرداخته اند. وسایل و ماشین های مدرن کشاورزی نیز از خواست های دهقانان است.

یکی از روستاییان درباره مشکل کمبود سیمان می گوید: "مدتی است که تقاضای سیمان کرده ایم و نامه نیز به جهاد نوشتیم، ولی تا بحال به ما سیمان نداده اند. ما می دانیم با کمبود مصالح روبرو هستیم، ولی در ادارات ما بعضی افراد هستند که نمی خواهند به درد روستاییان برسند."

روستای قره آغاج، سابقه مبارزه طولانی با طاغوت دارد و در انقلاب شهید داده است. اهالی تا بحال برای کمک به جبهه جنگ عادلانه علیه تجاوز صدام، پتو، سیب و ۴ هزار تومان پول کمک کرده اند. یکی از اهالی بنام امیرعلی، در مورد جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، عقیده داشت: "عراق کاره ای نیست. ما با شیطان بزرگ می جنگیم و همه باید با هم باشیم."

اهالی مبارز این روستا حق دارند که از دولت انقلاب بخواهند آرزو های آن ها را برآورده سازد و به ویژه در سال جدید، مسئله زمین را حل کند. آن ها فعلاً در سرنگونی رژیم طاغوت و به شمر رسیدن انقلاب شرکت زحمتکش باید هر چه سریع تر آنچه را که در رژیم ضد مردمی طاغوت از به دهقانان داد بدیخ می شد و تمام آن حقوق انسانی را که پایمال می شد،

بار دیگر درباره مارکسیسم و مذهب

ما در مقاله‌ای تحت عنوان «یک طرفه امپریالیستی» (نامه مردم - شماره ۵۱۷) بر اساس دلایل و اسناد نشان دادیم که ایجاد نفاق در مسائل بینشی میان مبارزان اسلامی و مارکسیست‌های وفادار به انقلاب، به پنهان‌تقابل «اصول الهی و اصول مادی»، یکی از ترفندهای امپریالیستی است، که طبق سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» انجام می‌گیرد. برچسب «کافر» و «ملحد» به کسی که بدافع از عدالت برخاسته است، برچسب کهنه‌ایست. از این برچسب‌های بیامیزان رهائی نداشتند و انبیاء اولوالعزم مانند موسی و عیسی و محمد بن عبدالله پیغمبر اسلام، هر یک به نحوی از طرف معاصران خود به انکار دین و الحاد و اغواء دیگران متهم شدند. بر راه دور نرویم. امام خمینی رهبر انقلاب و بنیادگذار جمهوری اسلامی، نیز از شر این نوع برچسب‌های دشمنان ضد انقلابی مصون نمانده است. بیپرده نیست که در قرآن آمده است: «ویل لکل هزء لزمه».

ما بارها و بارها درباره پرسر خورد مارکسیسم به مذهب و نظر آن به اسلام و بویژه نظر حزب ما به پیش اسلام راستین مقالاتی نوشته‌ایم. ولی ظاهراً عده‌ای، بقول حافظ، «هم نوشته می‌خوانند و هم ناگفته می‌دانند»، لذا به نوشته‌ها و گفته‌ها توجهی ندارند. نوعی تجاهل تعمدی وجود دارد. هر چه توضیح می‌دهید و دلیل و برهان می‌آورید، باز همان را می‌گویند که از نخست، باقتضای نیاتی که داشته‌اند، گفته‌اند.

مارکسیسم خود در انتقاد از کسافی تولد یافت که مسئله مبارزه علیه مذهب را مسئله مرکزی اجتماعی ساخته بودند. «هنگلیان جوان» مساند شتراوس (Strauss) و برادران باوئر (Bauer) تصور می‌کردند که اصلاح جامعه را از انتقاد مذهب مسیحی (انتقاد مذهب بطور کلی) باید آغاز کرد. بنظر آنها توده‌های مردم، که عقاید مذهبی را می‌پذیرند، «دشمنان خردمندان» هستند و لذا «افراد نقدانديش» (!) باید آنها را هدایت کنند. افراد نقدانديش یا دارای اندیشه نقاد، خود این چند نفر هکلی جوان بودند!

فولر باخ نیز مبارزه فلسفی خود را متوجه اثبات مادیت و نفی مذهب کرد. سارگس و انگلس در انتقاد از «هنگلیان جوان» در کتاب «خانواده مقدس» (مقصود خانواده برادران باوئر است) و «ایدئولوژی آلهانی» توضیح دادند که کار را باید درست از جنبش توده‌های محروم و بویژه پرولتاریای صنعتی، برای برانداختن ریشه‌های فقر و حرمان آغاز کرد و نه از جنگ با مسیح. به همین جهت مارکس با گوئین را از بابت اصرار او در مورد پیش کشیدن مواضع ضد مذهب انتقاد میکرد و انگلس مینوشت که هیچ‌چیز ابلهانه‌تر از مقابله با مذهب نیست و لنین بویژه به اسلامی که در برابر ستمگری قد علم کند درود فرستاده و شرکت کشیش را در حزب انقلابی پرولتاریا، در صورت قبول برنامه حزب، بلامانع دانسته است.

دسیسه‌گران امپریالیستی در قبال این استدلال، که واقعیات پلاتریدید تاریخی است، می‌گویند: «مارکسیست‌ها نیرنگ می‌زنند. ترفند بازند. آنها می‌خواهند مذهب را از راه اقتصادی از میان ببرند والا ماتریالیسم هرگز با مذهب سازگار نیست».

از این آقایان باید پرسید که: آیا شما که خود را معتقد به حقایق ازلی و ابدی الهی می‌شمارید و باور دارید که این حقایق لیمه وحی آسمانی بر انبیاء است، آیا ممکن می‌شمارید که چنین عقایدی، از راه اقتصادی از میان می‌رود؟

فرض کنید که «مارکسیست» شیطان صفت و ترفند باز ساخت شما چنین دسیسه‌ای چیده باشد. آیا یک مذهبی معتقد باور دارد که حقایق آنهم حقایق آسمانی و ربانی، را میتوان با بهبود وضع زندگی مردم از میان برد و زمین خداوند را بدون حجت گذاشت؟ قاعدتاً یک مذهبی معتقد باید چنین مستعدانه فکر کند. اگر نمی‌کند، پس این بیم و باک و این افتادن در دام اغواء و القاء امپریالیسم و عالتش برای چیست؟ پس برای چه وقتی یک مارکسیست صدیق هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: ما طرفدار همکاری مسلمانان انقلابی و مارکسیست‌های اصیل برای بسط عدالت اجتماعی هستیم، دست او را رد می‌کند و مسئله ماتریالیسم و مذهب را علم می‌سازد و به واژه‌هایی مانند ترفند و نیرنگ و دام گسترده و غیره متوسل می‌شود؟

ماتریالیسم فلسفی جزئی است از مارکسیسم - لنینیسم. کسی درصدد انکار این واقعیت نیست. ولی ماتریالیسم فلسفی دارای خصلت بینشی است و بینش نتیجه اقتناع و اعتقاد منطقی و وجدانی است و آنرا نه به ضرب «چماق تکفیر» و نه به ضرب «اقتصاد» نمیتوان در مغزها رخنه داد، یا از مغزها بیرون ساخت. اگر ماتریالیسم فلسفی نتواند حقایق خود را ثابت کند و مبرهن گردد که این، یک دید یک جهته و «شکمپرستانه» درباره جهان است، از صحنه رفته خواهد شد. لذا در مسائل بینشی باید روش انسانی ما چنین باشد:

- ۱- نوع پیش‌ها، که نتیجه شیوه تفکر و تجارب حیاتی انسانهاست، امری عادی تلقی شود، با بینشی مبارزه کنیم که به حربه‌ای علیه خلق و انقلاب و استقلال و آزادی و ترقی مبدل میشود.
- ۲- در عین قبول بحث و مناظره با پیش‌های دیگران (با ذکر اندیشان) از کاربرد روشهای تحلیلی نسبت به این بینش‌ها خودداری شود. در قرآن آمده است: «لا اکره فی الدین»، «لکم دینکم ولی دین» «فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر»، «انا هدینا النجدین: اما شاکرا و اما کفورا» (یعنی در امر دین و اعتقاد دینی اکراه و اجبار نیست و «شما را دینی هست و مرا هم دینی است» و «هر کس خواهد ایمان آورد و هر کس خواهد کافر باشد»، و «ما هر دو گسره را هدایت کرده‌ایم که برخی سپاسگرزند و برخی ناسپاس».)

در قرآن آمده است: «فیش عباد اللذین یستمون القول و یسمعون احسنه»، یعنی «مژده ده بندگان را که سخن را می‌شنوند و بهترین سخن را پیروی می‌کنند».

پس باید سخنان مختلف گفته شود، تا کسی بتواند «بهترین» را بیابد و پیروی کند.

در قرآن آمده است: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جاد لیم باللئی هی احسن»، یعنی: «براه خداوندگار خود از راه حکمت و اندرز نیک دعوت کن و با آن چیزی که بهترین است با آنها بیکار نما!»

می‌گویند از راه حکمت و اندرز نیک، نه از راه دشنام و پسرچسب و سوء ظن و افتراء و چماق.

۳- تنها از این راه باید گذاشت که کلمه حق راه خود را به جلو بکشد و اگر کسی دارای بینشی غیر از شماست، یعنی مغز و روح او مطلب دیگری را پذیرفته است، ولی با کمال صمیمیت بسوی شما می‌آید و شما را برادر می‌خواند و دست شما را می‌فشرد و شما که در گفتار، بل در کردار، یاری می‌رساند، شما موظفید، طبق اصولی که یاد شده، یا او رفتاری برادرانه داشته باشید.

قرآن مسلمانان را حتی در مورد کافرانی که قصد مقاتله با اسلام ندارند به بر (نکوکاری) و قسط (عدالت) می‌خواند می‌گوید: «ان الله یحب المقسطین». یعنی «خداوند دادگران را دوست دارد». (این آیه عیناً در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است) به همین جهت اسلام را شریعت «مسح و سهله» نام نهاده‌اند، یعنی آسان و آسان گیر. پیغمبر اسلام می‌گوید: «ان الله یحب الی حیکم» به توجیه، «فیویا به احسن منها»، یعنی: «اگر شما درودی گفتند، شما پاسخی بهتر بدهید».

و باید افزود که هر مسلمان معتقد بر آنست که پیغمبر اسلام سرمشق نیک (اسوة حسنة) در رفتار و شیوه زندگی است. پس باید این پند را نیز از پیامبر اسلام آموخت و آنهم در عمل آموخت. اگر این مطالب درست است و اگر درست است که حزب توده ایران تا حد ایثار خون گروهی از بهترین فرزندان خود در انقلاب و در جنگ عادلانه، به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یاری رسانده و این یاری او، در داخل کشور و خارج از آن، موثر و گرانبایست، دیگر نسبت نیرنگ و ترفند دادن به این روش پاک و اصیل انقلابی را چه باید نام نهاد؟

ما از رهبران جمهوری اسلامی ایران که در امور موثرند، چشم داریم که در این مسائل تعمق کنند و خود را از توهمات که غلط است، مضر است و اصلی ندارد، برهانند و مسلماً از رهنمودهای امام خمینی نیز چیزی جز اینها استدراک نمی‌شود.

بقول مولانا جلال‌الدین مولوی: ای که دم از حب و از لب میزنی تا بکسی دم از تعصب میزنی سخت گیری و تعصب خامی است تا چنینی کار خون آشامی است و برخی ناسپاس».

اعضاء و هواداران حزب توده ایران در فرانسه و بلژیک در تظاهرات اول ماه مه شرکت کردند



اعضا و هواداران حزب توده ایران در تظاهرات (اول ماه مه) سن دیکای «ث. ژ. ت.» شرکت کردند. این تظاهرات که سه ساعت طول کشید، در میدان مرکزی شهر با خواندن قطعنامه‌ای به پایان رسید. در این قطعنامه، از جمله تشبیهات امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس محکوم شد. در روز ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه)، هواداران حزب توده ایران در تظاهرات کارگران مونس (بلژیک) شرکت کردند. نماینده آنان، در سخنرانی مردم را از دستاوردهای انقلاب ایران و دسیسه‌های بی دریغی امپریالیسم آمریکا علیه آن آگاه ساخت.

جمهوری خلق

شصتمین سالگرد پایه‌گذاری حزب خود را جشن گرفتند، بحق توانستند به کامیابی‌های کنونی خویش ببالند. هم‌خوان با تصمیمات پانزدهمین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان، که پانزده سال پیش (۱۹۶۶) برگزار شد، در جمهوری خلق مغولستان پایه مادی - فنی استوار سوسیالیسم پدید آمده است. جمهوری خلق مغولستان هر چه بیشتر به کشوری صنعتی - کشاورزی بدل می‌شود. سال پیش، تولید صنعتی ۴۰ درصد تولید ناویژه اجتماعی را تشکیل می‌داد و ۲۷ درصد درآمد ملی را تأمین ساخت. در گسترش پرشتاب و همه‌جانبه جمهوری خلق مغولستان همکاری در «شورای همیاری اقتصادی» و کمک و پشتیبانی دیگر کشورهای سوسیالیستی سهم مهمی داشته است. حزب انقلابی خلق مغولستان بنیادی ترین هدف خود را همواره مبارزه در راه بهر روزی و شکوفایی خلق مغول در صلح می‌بیند. سطح زندگی مردم این کشور پیوسته رو به افزایش بوده است. بر پایه استوار دستاوردهای کنونی، قرار است که در پنج سال آینده نیز بر درآمد واقعی زحمتکشان افزودن شود و آموزش و پرورش و بهداشتی و بهر یستی بهبود و فرهنگ سوسیالیستی گسترش یابد. حزب انقلابی خلق مغولستان نگهداشت و تحکیم صلح را بمنزله مهم ترین شرط پیشرفت بسوی سوسیالیسم می‌انگارد. از این روست، که جمهوری خلق مغولستان، همگام با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، در راه قطع مسابقه تسلیحاتی، تثبیت تنش زدایی و دفاع از حقوق حقه و آزادی خلق‌ها و علیه سیاست جنگ افروزان امپریالیسم و برتری جویان یکس می‌رزد. بگفته یومژاگین تسدنبال، دبیر اول کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب انقلابی خلق مغولستان همواره این آزمون تاریخی را مدنظر داشته است که:

«کمونیست‌ها تنها هنگامی می‌توانند در نبرد طبقاتی با امپریالیسم به پیروزی دست یابند که پیروم سترگ مارکسیستونالیسم پرولتری وفادار باشند».

پیروزی‌های بزرگ بسود خلق

هنگامی که کمونیست‌های مغولستان

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی:

نمایندگان مجلس به بیانیه «نهضت آزادی» بشدت اعتراض کردند

● امپریالیسم دشمن اصلی مستضعفین است ● معاملات واحدهای مسکونی با شرایط خاصی آزاد شد

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام دشمن و فسنجانی تشکیل شد، چند تن از نمایندگان، ضمن اعتراض شدید به بیانیه «نهضت آزادی»، تاکید کردند که «اینها سیستم ریاست جمهوری آمریکا را می‌خواهند».

نخستین ناطق جلسه دیروز، محمد خامنه‌ای، نماینده مردم مشهد، بود که ضمن تبریک پیروزیهای اخیر رزمندگان انقلاب در جبهه‌ها از جمله گفت:

«انقلاب ما ظرف دو سال نه تنها به عقب برنگشت و نه تنها علیرغم گفته دروغگویان و مدعیان بدتر از سابق نشد، بلکه متوقف هم نماند. گذشته از تعدادی نارسائیه در تمام زمینه‌ها، که مورد اعتراض مردم و صاحب نظران است، انقلاب ما در شتاب صحیح و مورد انتظار در سطح وسیع چیزی کم نداشته و ما در زمینه‌های مختلف پیروزی داشته‌ایم».

وی سپس از «امپریالیسم» بعنوان «دشمن اصلی مستضعفین» نام برد و توطئه‌های مختلف دشمنان انقلاب را در زمینه سیاسی، نظامی و اقتصادی برشمرد.

ناطق از جمله به «بمب گذاری، ترور، جنگهای خارجی مانند جنگ عراق علیه ایران، جنگها و آشوبهای داخلی، کودتا و کودتاهای احتمالی، تجاوز نظامی به طبرستان، تقویت پیمانتهای نظامی و ایجاد پیمانتهای جدید در حوض آبریز ایران، اتم زنبوری و غیر عربی» اشاره کرد.

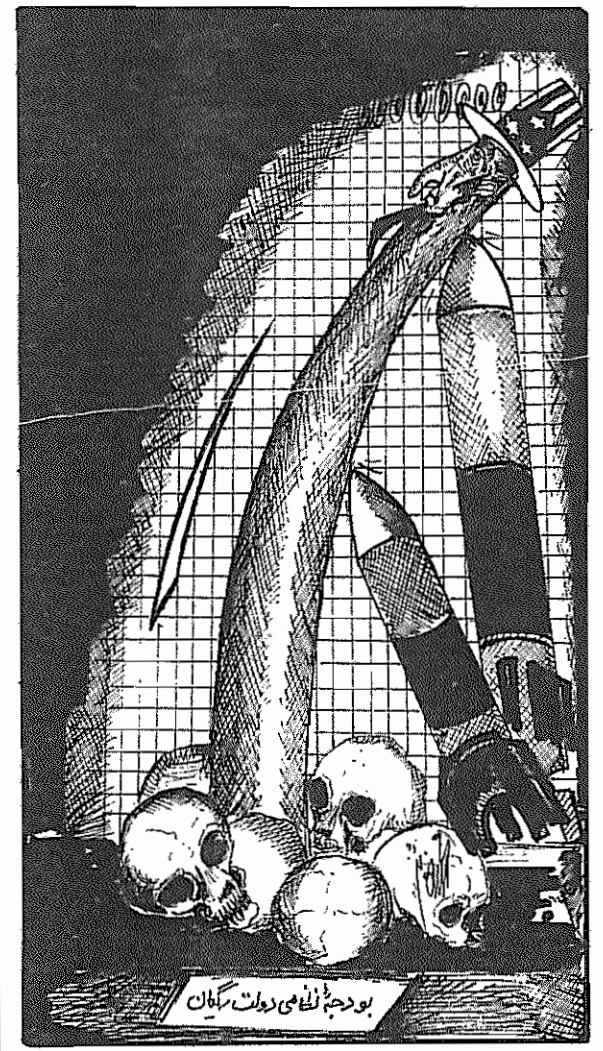
محمد خامنه‌ای همچنین در زمینه توطئه‌های تبلیغاتی امپریالیسم علیه انقلاب، از جمله درباره «تهدیه‌ها، تحقیرها و فشارها» و «شاه‌سلب آزادی و وجود شکنجه» سخن گفت.

نماینده مردم مشهد در قسمتی دیگر از سخنان، با اشاره به نظر خواهی‌های اخیر دفتر هماهنگی مردم با رئیس جمهوری گفت:

«اینجا که امروز به عنوان مراجعه به آراء عمومی و حتی پیام ریاست جمهوری، اعلامیه‌هایی چاپ می‌کنند و دفتری که نام خود را هماهنگی مردم با رئیس جمهوری گذاشته است، آن را امضاء می‌کند، چه منظوری دارد؟ آیا این یک نوع تقنین و ایجاد اقتضای نیست؟ و سؤال آخر اینکه مقام ریاست جمهوری چرا برای حفظ قانون اساسی که سوگند وفاداری به آنرا خورده است، به آنها هشدار نمی‌دهد؟»

ناطق همچنین با اشاره به بیانیه «نهضت آزادی»، که در شماره روز سوم خرداد روزنامه «هیزان» به چاپ رسیده بود و این سؤال را مطرح کرده بود که: «چه کسی باید برود؟» گفت: «من نیز موافقم که بنشینیم و بررسی کنیم که واقعا چه کسی باید برود؟»

ناطق سپس درباره هیئت ۳ نفری بررسی و حل اختلاف و عملکردهای آن سخن گفت و با اشاره به بیانیه «نهضت آزادی» افزود: «اینجا سیستم ریاست جمهوری آمریکا



این «تعدادی»...

بقیه از صفحه ۱

نیز بدلیل «درد میخچه پای خود» به گسترش آن کمک میکنند. در مجموع مسئله جدی نبرد بین انقلاب و ضدانقلاب، رفته رفته جدی تر میشود، لذا برای شکستن ضدانقلاب، دفع خطر آن، تثبیت و تحکیم انقلاب، هم باید یحده اعلا هوشیار بود، هم باید بقدر کافی مدبر بود و هم باید قاطعیت انقلابی داشت.

حفظ انقلاب همیشه و در هر کشور، دشوارتر از انجام انقلاب، یعنی تصرف قدرت حاکمه است. این قانون است. و این قانون از آنجا ناشی است که ضدانقلاب همیشه و در هر کشور، پس از انقلاب، با ده چندان نیرو وارد عمل میشود، به روسیله‌های متشبث میشود، خود را به آب و آتش میزند، تا قدرت حاکمه را یازیس گیرد. در نتیجه، برای غلبه بر آن و حفظ و تثبیت و تحکیم انقلاب، باید یا ده چندان هشیاری، یا ده چندان تدبیر و یا ده چندان قاطعیت انقلابی در اجرای تدابیر انقلابی عمل کرد.

هشیاری، با توجه به کشف سازمان ضدانقلابی «پاسداران رژیم سلطنتی»، میتوان گفت که تدریجاً نسبتاً مطلوبی است. ولی روشن است که سطح آنرا باید همواره بالا برد و به حد اعلا لازم رساند. تدبیر نیز تا حدود نسبتاً قابل ملاحظه‌ای در سیاست داخلی، بویژه نسبت به مسائل مهمی از قبیل منزوی کردن لیبرالها، اصلاحات ارضی، ملی کردن پازرگانی خارجی، توجه به مسئله گرمی میخورد.

ولی قاطعیت انقلابی در اجرای تدابیر انقلابی، چندان مشهود نیست. مثلا مدتهاست که بندهای «حج» و «د» اصلاحات ارضی در مرحله اتخاذ تدبیر باقی و اجرای آنها معلق مانده است. در حالیکه اجرای بندهای مذکور از اصلاحات ارضی، شکستن نیروی

بزرگ مالکی - یکی از ارکان ضدانقلاب - و بسیج توده‌های میلیونی زحمتکشان روستایی در صف دفاع فعال و مستحکم از انقلاب است. یا مثلا توزیع عادلانه کالا از طریق جیره بندی، که تدبیر آن در مجموع اتخاذ شده، ولی یکندی اجرا میشود، در حالیکه اجرای قاطع، سریع و همه جانبه این تدبیر - هم برای تقویت بنیه دفاعی کشور در برابر جنگ احتمالی، هم برای مهار گرانی روزافزون، که از مسائل حاد و از منابع مهم ناراضی‌تراشی است، ضرورت دارد.

بدیهی است ما بر آن نیستیم که مسائل را ساده کنیم. مسائل مهم مبتلا به کشور و انقلاب، هم در مرحله اتخاذ تدبیر برای حل آنها و هم در مرحله اجرای تدابیر اتخاذ شده، بفرنج است. ولسی سخن اینجاست که آمریکا و ضدانقلاب داخلی برای شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران سخت و همه جانبه کوشا است، و ما برای دفع خطر آن، برای بسیج توده‌های میلیونی در صف انقلاب، صفی که مصون از رخنه ضدانقلاب و کار شکنی او باشد، باید هر چه ممکن است سریعتر تدابیر لازم را اتخاذ کنیم و هر چه ممکن است قاطع تر این تدابیر را به موقع اجرا گذاریم. قاطعیت ضدانقلاب را باید با قاطعیت انقلابی شکست. از جمله باید این «تعدادی از بازاریان» و همه «تعدادی از روحانی نمایان» و همه توطئه گران نظیر را به مردم شناساند، تحت تعقیب قرار داد و بمجازات رساند.

مطلب مهم دیگر اینست که ضدانقلاب یکپارچه و متحد است. از فرج گرفته تا «تعدادی از بازاریان»، از اویسی و بختیار و نژی و مدنی و مراغه‌ای واردشیز و اهدی و قطاری از اینسکان زنجیری آمریکا، تا «تعدادی از روحانیون» (روحانی نمایان) درقم، از صدام جانی گرفته تا ارانل و اوباش بمب گذار، از ضیاءالحق گرفته تا قاسچاقچیان و دلان

انجام ۵ سال خدمت خارج از مرکز در نقاط فاقد دانشگاه و یا دانشکده پزشکی، داروسازی و یا دندانپزشکی، هستند. پس از تفسیر، لایحه «نحوه انجام معاملات واحدهای مسکونی» در دستور بحث قرار گرفت. بر طبق این لایحه، معاملات نقل و انتقالات واحدهای مسکونی در شهر - های بزرگ با شرایط خاصی و از جمله کسب اجازه کتبی از وزارت مسکن و یا واحدهای تعیین شده از سوی آن، آزاد خواهد بود.

رضا اصفهانی در موافقت با این لایحه، طی سخنانی، از جمله گفت: «بعد از اینکه معاملات مسکونی در تهران ممنوع شد، برخلاف انتظار و تصور خانه‌ها روز به روز گراتر شدند و اگرچه معاملات بصورت ثبتی انجام نمیشد، بصورت عادی انجام می گرفت و آن کردن کلفتها می دانستند و می دانند از چه راههایی معاملات را انجام دهند. وی همچنین گفت: «هر کاری را که می شود توجیه شرعی کرد و با دلایل شرعی انجام داد، گاهی می گویند غیر شرعی است و یا به تعبیر امام، (می گویند) کمونیستی است».

شجاعیان، نماینده ممسنی، در مخالفت با این لایحه، آن را «غیر بنیادی» دانست. وی از جمله گفت:

«ما خواهیم مشکل مسکن و سایر مشکلات مستضعفین را حل بکنیم و این لایحه (تنها) می تواند برای مدتی اثر داشته باشد و آیا نباید برنامه ریزی دقیق بر اساس قانون اساسی داشته باشیم؟»

وی همچنین با تاکید بر اینکه «نظام گذشته (در تمام زمینه‌ها) مبنی بر ظلم و استعمار بوده است»، گفت: «باید مسائل بطور بنیادی حل شود. مسئله زمین شهری برای دولت در مجلس باید حل شود، تا بعد اگر بپرسیم که در زمینه تامین مسکن چه کردید، گفته نشود زمین در اختیار ما نبود و در اختیار عده‌ای خاص بوده است».

وی همچنین پیشنهاد کرد: «روشن شود که نیاز مسکن هر خانواده‌ای چه مقدار است».

پس از سخنان نمایندگان در موافقت و مخالفت با این لایحه، نوبت به توضیحات مخبر کمیسیون و وزیر مسکن رسید. وزیر مسکن در توضیحات خود از جمله تاکید کرد: «این لایحه» مشکل مستضعفان را در مورد مسکن حل نمی کند و تنها راه حلی (موقتی) است».

پس از این توضیحات، کلیات لایحه به رای گذاشته شد و با اکثریت قاطع به تصویب رسید.

جلسه علنی دیروز مجلس در ساعت ۱۲:۱۵ پایان یافت. جلسه بعدی مجلس شورای اسلامی امروز تشکیل خواهد شد.

حمایت بی چون و چرای «واشینگتن» از تجاوزات «تل آویی»

اوضاع لبنان کماکان وخیم است. روز ۲ خرداد ۶۰، به تحریک راستگرایان، که از سوی اسرائیل پشتیبانی می‌شوند، درگیریهای مسلحانه‌ای در بیروت در گرفت. هواپیماهای اکتشافی اسرائیل بر فراز لبنان به پرواز درآمدند. فیلیپ حبیب، فرستاده ویژه ریگان، بطور غیر منتظره وارد

فساد - همه و در رأس همه آنها، دولت آمریکا و سازمانهای جاسوسی او، متحدان هم آهنگ و طبق نقشه عمل میکنند. ولی متأسفانه در صف انقلاب و در صف نیروهای راستین مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، چنین وحدت عمل هماهنگ، بقدر کافی نیست. تامین وحدت عمل هماهنگ تمام نیروهای راستین انقلابی، قطع نظر از تفاوت‌های عقیدتی و مسلکی آنها و قطع نظر از تعلق حزبی و یا گروهی و یا عدم تعلق حزبی و گروهی آنها، از واجبات مبرم است، به این دلیل ساده که وحدت نیروها، نیروی می‌آفریند توانگر تر از جمع نیروهای جداگانه. خرد مردمی این پدیده را در آن مثالی مجسم کرده که همه میدانیم: تاك تگ تر که‌ها رابه آسانی میتوان شکست و مجموعه بهم بسته آنها قابل شکستن نیست. مبادکه به این خرد مردمی توجه نشود.

بیت المقدس شد و بسا بگین، نخست وزیر اسرائیل، به مذاکره پرداخت. روزنامه‌های کشورهای عربی خاطر نشان می‌سازند که ایالات متحده آمریکا به پشتیبانی بی چون و چرای خود از سیاست تجاوز کارانه اسرائیل ادامه میدهد. اجلاس فوق العاده «جهانه عرب» یاد آور شده است که حمایت آمریکا از اسرائیل به درگیری آن با سراسر جهان عرب خواهد انجامید.



تشییع جنازه پاتریک اوهارا در ایرلند

روز ۴ خرداد مراسم تشییع جنازه پاتریک اوهارا در دری (ایرلند شمالی) برگزار شد. وی چهارمین مبارز ایرلندی است که در هفته‌های اخیر بر اثر اعتصاب غذا در زندان «میوز» درگذشته است. آنها خواهان آن بوده‌اند که بعنوان زندانی سیاسی شناخته شوند، ولی مقامات بریتانیا از تأمین این خواست آنها خودداری کرده‌اند. در این میان، گزارش رسیده است، که حال پنجمین اعتصابگر، پراوندون مک‌لانون، به وخامت می‌گراید. وی یازده روز پیش اعتصاب غذای خود را آغاز کرد.

کشف جسدیک نوجوان سیاهپوست دن آتلانتا

در آتلانتا (جورجیا)، جسد نوجوان سیاهپوست دیگری در رودخانه پیدا شد. در همین رودخانه پیش از این پنج جسد دیسکر کشف گردیده بود. چنین می‌نماید که این نوجوان بیست و هفتمین قربانی نژادپرستان آتلانتا در دو سال اخیر باشد. پلیس ایالت جورجیا تاکنون هیچگونه گامی در راه شناسایی و مجازات جنایتکاران برنداشته است.

نامه مرموم ازگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بیزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر «نامه مردم» هنوز در اختیار «نامه مردم» نیست)

چاپ: کاویان

NAMEH MARDOM

No. 521 26 May 1981

Price: West-Germany 0.80 DM

France 2 Fr.

Austria 8 Sch.

England 20 P.

Belgium 10 Fr.

Italy 350 L.

U.S.A. 40 Cts

Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همه مقامات دولتی و غیردولتی می‌توانند به آدرس زیر به «نامه مردم» مکتابه کنند: صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران

«پنتاگون» ۲ هزار میلیون دلار به تولید جنگ افزارهای جدید شیمیائی اختصاص می‌دهد

ایالات متحده آمریکا خود را برای جنگ شیمیائی فعالانه آماده می‌سازد. بگزارش «نیویورک تایمز»، وزارت دفاع آمریکا مشغول تدوین دکترینی جدید است، که استفاده از جنگ افزارهای شیمیائی را پیش‌بینی می‌کند. این روزنامه خاطر نشان می‌سازد که «کنگره» ۳ میلیون دلار برای ساختن کارخانه‌های جهت تولید برخی از این جنگ افزارها اختصاص داده است. بموجب برآوردی، برنامه پنج ساله «پنتاگون» برای توسعه و تولید جنگ افزارهای جدید شیمیائی ۲ هزار میلیون دلار خرج برخواهد داشت.

معازل مترقی خاورمیانه از پیشنهاد پرژرف درباره فراخوانی کنفرانس بین‌المللی درباره منطقه پشتیبانی می‌کنند

سخنرانی لئوئید پرژرف در تفریس، در مراسم شصتین سالگرد تاسیس جمهوری شوروی گرجستان و حزب کمونیست این جمهوری، کماکان در سراسر جهان بعنوان پرخوردی سازنده به مسائل بین‌المللی و همداری جدی به هواداران مسابقه تسلیحاتی تعبیر می‌شود. مجید ایشورام، عضو سازمان فلسطینی «افتح» گفته است: «اعراب فلسطینی با شور فراوان از پیشنهاد لئوئید پرژرف در باره فراخوانی کنفرانس بین‌المللی درباره خاورمیانه استقبال می‌کنند.» «تشرین»، روزنامه سوریه، یادآور می‌شود: «رهبر شوروی سیاست اسرائیل را محکوم و ایالات متحده آمریکا را به پشتیبانی از حکومت جابرانه صهیونیست‌ها در سرزمینهای اشغالی عرب متهم کرد.»

ببرک کارمل بار دیگر آمادگی خود را برای گفتگو با ایران اعلام داشت

ببرک کارمل، رهبر افغانستان، ریش‌سفیدان قبایل و شخصیت‌های اجتماعی را، که در گردهمایی در کابل شرکت دارند، بحضور خود پذیرفت. ببرک کارمل گفت: «گردهمایی شما ثابت می‌کند که رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان پیگیرانه سنن ملیت‌های مختلف ساکن افغانستان و اصول اسلام را محترم می‌شمارند.» بگفته ببرک کارمل: «مهمترین وظیفه مردم افغانستان عبارتست از ساختن جامعه‌ای، بری از استعمار. ما، بیگمان، در پیشبرد این وظیفه موفق خواهیم شد.» ببرک کارمل در بخشی از سخنرانی خود درباره تضمین امنیت در منطقه گفت: «جمهوری دمکراتیک افغانستان حاضر است در این باره با ایران و پاکستان به گفتگو بپردازد.»

پس از رهایی گروگانها در بارسلنا، احزاب چپ اسپانیا خواستار تحقیق کامل درباره این رویداد شدند

در اسپانیا، احزاب کمونیست و سوسیالیست، در اعلامیه‌های جداگانه‌ای که در مادرید منتشر شد، رویداد تروریستی بارسلنا را محکوم کردند و خواهان تحقیق کامل درباره چگونگی آن شدند. شنبه پیش تروریست‌ها یک بانک را در این شهر تسخیر کردند و بیش از ۲۰۰ تن را گروگان گرفتند. آنها خواهان آزادی چهار سرکرده کودتای نافرجام نظامیان راستگرا در اواسط زمستان ۵۹ بودند. آخرین گزارش حاکی از آنست که پلیس به بانک حمله برد و گروگانها را نجات داد. در جریان این حمله، یک تروریست از پای درآمد، چندان از یاران او دستگیر شدند و برخی نیز فرار کردند.

رژیم سودان میکوشد تا سادات را از انزوا نجات دهد

بعقیده سوریه، برقراری مناسبات نزدیک میان سودان و مصر ناقض تصمیم کشورهای عرب بنی بر تحریم رژیم سادات است. یک سخنگوی وزارت خارجه سوریه این نظر را در پیوند با سفر سادات به خرطوم ابراز داشت، که روز شنبه آغاز شد. لیبی و سازمان آزادی بخش فلسطین، نیز تلاش سودان را برای نجات رژیم مصر از انزوا نمودند.

سازمان ایالتی حزب توده ایران در خراسان:

رهنمود امام خمینی در مورد «حاکمیت قانون» در سال جدید و اجرای اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای دادستان کل انقلاب گامی در جهت رشد و شکوفائی جامعه است

رای سال حاکمیت قانون دانسته‌اند و اطلاعیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب، انتظار دارد که با اجراء رهنمود امام خمینی و اطلاعیه ده ماده‌ای، محیطی سالم برای بشمرساندن اهداف انقلاب و تحقق اتحاد همه نیروهای هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در استان خراسان فراهم گردد و گام مهمی در جهت تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب شکوهمند مردم ایران برداشته شود.

های هرچه بیشتر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران باشد. بی‌شک تضمین قانونی فعالیت احزاب و سازمانهایی که خود را به انقلاب و رعایت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متعهد می‌دانند، عامل مهمی در ایجاد محیط سالم برای رشد و شکوفائی جامعه و تقویت جنبه متحدانقلاب خواهد بود.

اجراء رهنمود امام خمینی و اطلاعیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب در شرایط حساس کنونی که ضدانقلاب سازمان‌یافته، ساراکبها، مافوق‌استه‌ای آمریکائی و همه عمال امپریالیسم آمریکا در جهت تشنج آفرینی و ایجاد درگیری، پایمال کردن قانون اساسی، سلب امنیت قضائی به تحریکات پر دامنه‌ای پرداخته‌اند، اهمیت بسیار دارد.

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خراسان با استقبال از پیام نوروزی امام خمینی، که امسال

سازمان ایالتی حزب توده ایران در خراسان در پی اعلام سال جدید از سوی امام خمینی بعنوان سال «حاکمیت قانون» و با توجه به اطلاعیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب، طی نامه‌ای به استانداری خراسان اظهار امیدواری کرد که اجرای این رهنمودها اتحاد همه نیروهای هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در استان خراسان را تحقق بخشد. در این نامه آمده است:

با توجه به رهنمود امام خمینی در پیام نوروزی، که سال جدید را «سال حاکمیت قانون» نامیده‌اند و نیز اطلاعیه ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب و تصریحات مکرر مقامات مسئول کشور، که در ادامه و تفسیر سخن امام خمینی است، امید آن می‌رود که سال جدید، سال اجرای قانون اساسی، سال تأمین شرایط مناسب و آزاد برای فعالیت احزاب و سازمانهای مومن به انقلاب و سال موفقیت-

دفتر «انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگران و زحمتکشان تهران و حومه» به مسئولین آن مسترد شد

پدیده‌ای حمله عناصر مشکوک و مخرب به دفتر «انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگران و زحمتکشان تهران و حومه»، که روز جمعه اول خرداد ۶۰ صورت گرفت، این انجمن، که یک سازمان مستقل کارگری و وابسته به هیچ حزب و سازمانی نیست، اطلاعیه‌ای صادر کرد، که متن آن چنین است:

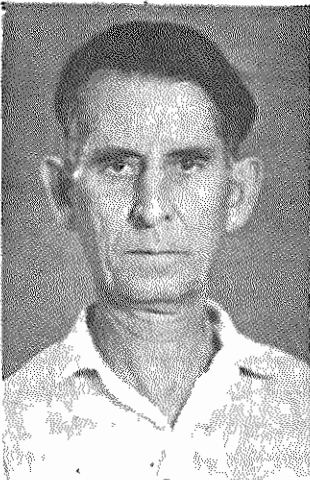
«بنام خدا»

بدینوسیله با اطلاع می‌رساند که روز جمعه مورخ ۶۰/۳/۱، حدود ساعت بیست و سی دقیقه، گروهی عناصر مشکوک از دیوار محل انجمن بالا رفته و با گشودن درب به حیاط وارد میشوند (بنا باظهار همسایگان تعداد این افراد حدود سی نفر بوده است). این عناصر مخرب پس از شکستن شیشه‌ها و قفلهای دربها، میزها و کمدها کلیه پرونده‌ها و کارتهای عضویت کارگران در سندیکاها، مربوطه و دفاتر را بسرقت می‌برند و سپس وسایل صوتی و انتشاراتی و ماشین تحریر و تلفن را نیز بهمراه تابلوهای بزرگ تصاویر امام خمینی و سایر اشیاء را نیز غارت میکنند و تابلو یکی از مقامات مسئول مملکت را نیز پاره میکنند. بطوریکه همسایگان اظهار میدارند بفاصله کمی بعد از این یورش وحشیانه و غارت اموال و ریخت و پاش اوراق و اسناد، مامورین کمیته می‌رسند و تا بعد از ظهر روز شنبه ۶۰/۳/۲ انجمن در اختیار برادران کمیته مرکزی بود، که بمسئولین انجمن تحویل دادند و اینک صورتجلسه اشیاء مفقود شده و همچنین تخریب اموال و اثاثه انجمن نیز در اختیار آنان است.

ما نظر مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران را نسبت به نقض قوانین مملکت، آنهم در سالی که توسط رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، سال قانون نامیده شده است، جلب میکنیم و اعلام میداریم احتمال مجدد این حوادث هنوز هم وجود دارد. تعجب ما اینست که چگونه این عناصر ضدانقلاب میتوانند آزادانه به خانه کارگران هجوم آورند و وسائلی را که با عرق جبین آنان تهیه شده است غارت کرده و یا نابود سازند. برهم زدن آرامش محل انجمن که در تمام طول خدمت خود مدافع پیگیر انقلاب اسلامی ایران بوده و بموجب اسناد و مدارک (که بخشی از آن بسرقت رفته است) این وظایف را نیز بخوبی انجام داده است، پسود چه کسانی است؟ مسئولیت جلوگیری از این حوادث با کیست؟ ما تعقیب و دستگیری و محاکمه و افسای این عناصر ضدانقلاب را مصرانه طلب میکنیم.

انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگران و زحمتکشان تهران و حومه ۶۰/۳/۳

یاد رفیق گوکلانی گرامی باد



با کمال تأسف اطلاع یافتیم که رفیق ساری گوکلانی (بنفانق)، یکی از یاران قدیمی حزب ما در ترکمن صحرا، در اثر بیماری در خارج از کشور درگذشت. رفیق گوکلانی یسکی از رفقای مبارز ترکمن صحرا بود. وی هنگامی که دانشجوی دانشکده انسانی بود، در دوران رضا پهلوی، بعلمت عقاید ضد استبدادی بازداشت و زندانی شد. او پس از شهریور ۱۳۲۰ از زندان آزاد گردید و به حزب توده ایران پیوست. وی در مبارزه علیه دیکتاتوری فاسد محمد رضای ملعون شرکت فعال داشت و سال ۱۳۲۵، هنگام اوج گیری خفقان، مجبور به مهاجرت گردید.

وی در مهاجرت به تحصیل در رشته زبان و ادبیات پرداخت و به دریافت درجه دکتری نائل شد و چندین کتاب درباره تاریخ ادبیات فولکلور ترکمن صحرا نگاشت. ما درگذشت رفیق گوکلانی را از صمیم قلب به بازماندگان او و همه رفقای حزبی و دوستان وی تسلیت میکنیم. نام رفیق گوکلانی بیشک در دفتر جاویدان خدمتگزاران خلق ترکمن و زحمتکشان ایران باقی خواهد ماند.

باتشکیل شورای تفاهم ملی، جبهه متحد خلق را پی بریزیم